

بررسی عوامل موثر بر میزان اشتغال زایی بنگاه‌های اقتصادی کوچک در ایران

مهرناز امین آقایی *

تاریخ دریافت: ۸۶/۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۸۷/۷/۱۴

چکیده

در دو دهه اخیر، معضل بیکاری همواره یکی از چالش‌های اصلی دولت ایران بوده است. رشد جمعیت ایران در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ حدود ۴ درصد برآورد شده است. از سال ۱۳۷۶، متولدین دوره انفجار باروری دهه ۵۵ تا ۶۵ پا به سن اشتغال گذاشتند و تا به امروز آخرین گروه‌های آن وارد بازار کار می‌شوند.

به دلیل انباشته شدن تعداد بیکاران از سال‌های قبل و محدودیت تولید شغل در کشور، اگر وضعیت اشتغال در کشور به همین روال ادامه یابد، احتمال دارد تا یک دهه دیگر هم کماکان این مساله جزو چالش‌های اصلی دولت باشد. از این رو لازم است

* کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

mehrnaz_aminaghaee@yahoo.com

معضل بیکاری به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌های اجتماعی ایران مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

از سوی دیگر نمی‌توان نقش چشمگیر صنایع کوچک را در افزایش اشتغال، تولید و درآمد سرانه کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای در حال توسعه نادیده گرفت. اما آمارها بیانگر نقش کم‌رنگ بنگاه‌های اقتصادی کوچک ایران در ایجاد اشتغال است. بنگاه‌های اقتصادی کوچک ایران برای فعالیت خود با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند که میزان اشتغال‌زایی ایجاد شده توسط این بنگاه‌ها را تحت تاثیر قرار داده است. در این تحقیق سعی شده است تا عوامل موثر بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی کوچک که مانع از کاربرد قابلیت اشتغال‌زایی این بنگاه‌ها شده است، مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط، اشتغال‌زایی، بیکاری،

کار مولد

مقدمه

در فرایند برنامه‌ریزی و توسعه، اشتغال و بازار کار به دلیل ارتباط جدی با جنبه‌های انسانی از حساسیت بیشتری برخوردار است. در چند سال اخیر، معضل بیکاری مهم‌ترین چالشی است که کشور ایران با آن روبه‌رو بوده است. تحولات جمعیتی کشور در زمینه جمعیت فعال روشنگر اهمیت توجه به سیاست‌های جدید ایجاد اشتغال‌زایی در کشور است. چراکه به دلیل انباشته شدن تعداد بیکاران از سالهای قبل و محدودیت تولید شغل در کشور، اگر وضعیت اشتغال در کشور به همین روال ادامه یابد، احتمال دارد تا یک دهه دیگر هم این مساله جزو چالش‌های اصلی دولت باشد.

هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بیکاری به عنوان مهم‌ترین عامل فقر اقتصادی بر کسی پوشیده نیست. از این رو یکی از محورهای اصلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، تاکید بر اشتغال است. اما برای تحقق اهداف این برنامه و حتی برای ثابت نگه‌داشتن تعداد بیکاران در بازار کار جدید تا انتهای برنامه چهارم توسعه، ایجاد ۹۰۰ هزار فرصت

شغلی^(۱) در سال ضروری است. تحقق این اهداف امکان‌پذیر نیست مگر این که سیاست‌های جدید اشتغال‌زایی مورد توجه قرار گیرند.

از سوی دیگر به تجربه ثابت شده است که مهم‌ترین منبع اشتغال جدید، کارآفرینی و بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط در بخش خصوصی است. (موسسه کار و تامین اجتماعی، ۱۳۸۵: ۱۷)

اشاره به این مطلب که سهم بنگاه‌های ۱۰-۴۹ نفر کارکن از کل اشتغال صنعتی در سال ۱۳۷۹ در ایران برابر ۳۲/۶ درصد بوده است، نشان دهنده نادیده گرفتن قابلیت‌های بالای صنایع کوچک در سیاست‌های اشتغال‌زایی کشور و کمک به از بین رفتن معضل بیکاری است. مساله مطرح در این تحقیق، این است که با وجود چنین ظرفیت‌های بالقوه‌ای که در بنگاه‌های اقتصادی کوچک وجود دارد، چه مسایلی موجب محدودیت توسعه این بنگاه‌ها و در نتیجه محدودیت اشتغال‌زایی آن‌ها شده است.

با توجه به موارد بالا، این مقاله بر آن است تا عوامل موثر بر میزان اشتغال‌زایی بنگاه‌های اقتصادی کوچک در ایران را از دیدگاه کارفرمایان مورد بررسی قرار دهد. در این مقاله محدودیت‌های قانونی و مالی حاکم بر فضای اقتصادی کشور از دیدگاه کارفرمایان مورد بررسی قرار گرفته که به صورت غیر مستقیم بر میزان اشتغال‌زایی بنگاه‌های اقتصادی کوچک تاثیر می‌گذارد. از جمله این موارد می‌توان به نگرش کارفرمایان نسبت به برخی مواد قانون کار، میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها، میزان استفاده بنگاه‌های اقتصادی کوچک از تسهیلات مالی دولت، نگرش کارفرمایان نسبت به پرداختی‌های بنگاه‌ها به دولت و شهرداری، نگرش کارفرمایان نسبت به میزان پرداختی بنگاه‌ها به سازمان تامین اجتماعی و مدت فعالیت بنگاه‌ها اشاره کرد.

بنگاه‌های کوچک و متوسط مورد نظر این تحقیق برابر تعریف مرکز آمار ایران بدین صورت تعریف می‌شود: بنگاه‌های اقتصادی با نوع فعالیت تولید (صنعت - ساخت) و با تعداد کارکن^(۲)

۱- یک فرصت شغلی برابر ۳۰ نفر - سال کار است که در اثر فعل و انفعالات چرخه زندگی اقتصادی در بازار کار ایجاد می‌شود.

۲- اعم از شاغلان تولیدی و غیرتولیدی

بین ۱۰ تا ۴۹ نفر.^(۱)

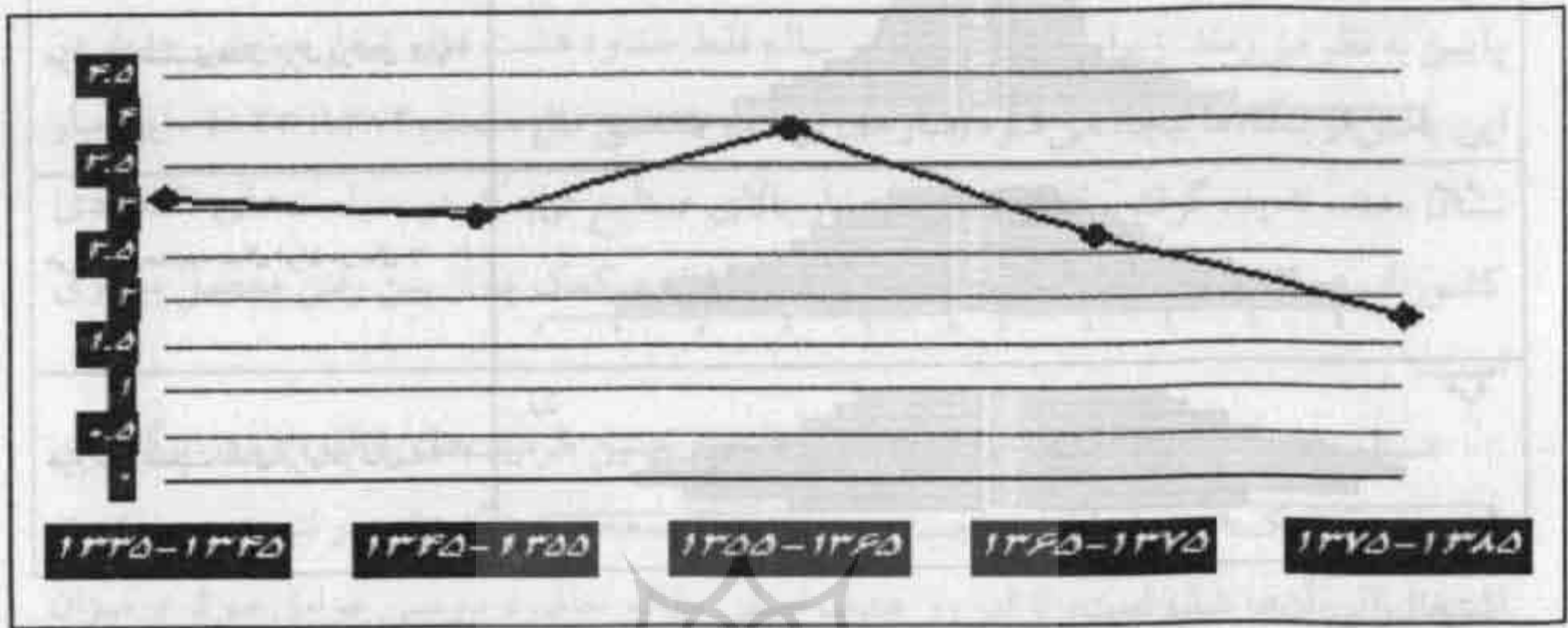
در این پژوهش، از روش پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. نمونه انتخاب شده با روش تصادفی ساده از جامعه آماری این تحقیق که شامل بنگاه‌های اقتصادی کوچک ۴۹-۱۰ نفر کارکن مستقر در مناطق یک تا بیست شهر تهران بود، انجام گرفت.

در بخش اول این مقاله پس از طرح مساله، دلایل اهمیت موضوع و اهداف تحقیق بیان شده است. بخش دوم، به مبانی نظری تحقیق و همچنین بررسی بیشتر اهمیت و موفقیت صنایع کوچک در اشتغال‌زایی اختصاص دارد. پس از بیان روش‌شناسی تحقیق، نتایج توصیفی و تبیینی حاصل از پژوهش بیان می‌شود و در نهایت، در بخش پنجم مقاله، پیشنهادات محقق ذکر می‌شود.

۱- طرح مساله

در راستای طرح مساله تحقیق، لازم است معضل بیکاری به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌های اجتماعی ایران در دو دهه گذشته مورد بررسی بیشتر قرار گیرد. بیشترین میزان رشد جمعیت در طی ۴۰ سال اخیر تقریباً متعلق به سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ بوده است. رشد جمعیت ایران در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ حدود ۴ درصد برآورد شده است. به طوری که این دوره را دوره انفجار باروری^(۲) می‌نامند. متولدین این سال‌ها در سرشماری سال ۱۳۷۵ عمدتاً در سنین ۱۷-۱۳ سال بودند که بخش قابل توجهی از جمعیت غیر فعال در قالب محصل را تشکیل می‌دادند. از سال ۱۳۷۶، متولدین دوره انفجار باروری دهه ۵۵ تا ۶۵، پا به سن اشتغال گذاشتند و تا به امروز آخرین گروه‌های آن وارد بازار کار می‌شوند. نمودار ۱ متوسط رشد جمعیت ایران در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ را نشان می‌دهد.

۱- در بعضی قسمت‌های این مقاله، به اجبار از لفظ بنگاه صنعتی کوچک و متوسط استفاده شده است. دلیل این امر تفاوت تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای مختلف است. در بعضی کشورها بنگاه‌های ۹-۱ نفر کارکن، بنگاه کوچک و ۴۹-۱۰ نفر کارکن، بنگاه متوسط نامیده می‌شوند. دلیل دیگر این امر ممکن است مصداق داشتن مطلب مورد نظر در مورد هر دو نوع بنگاه‌های کوچک و متوسط باشد.

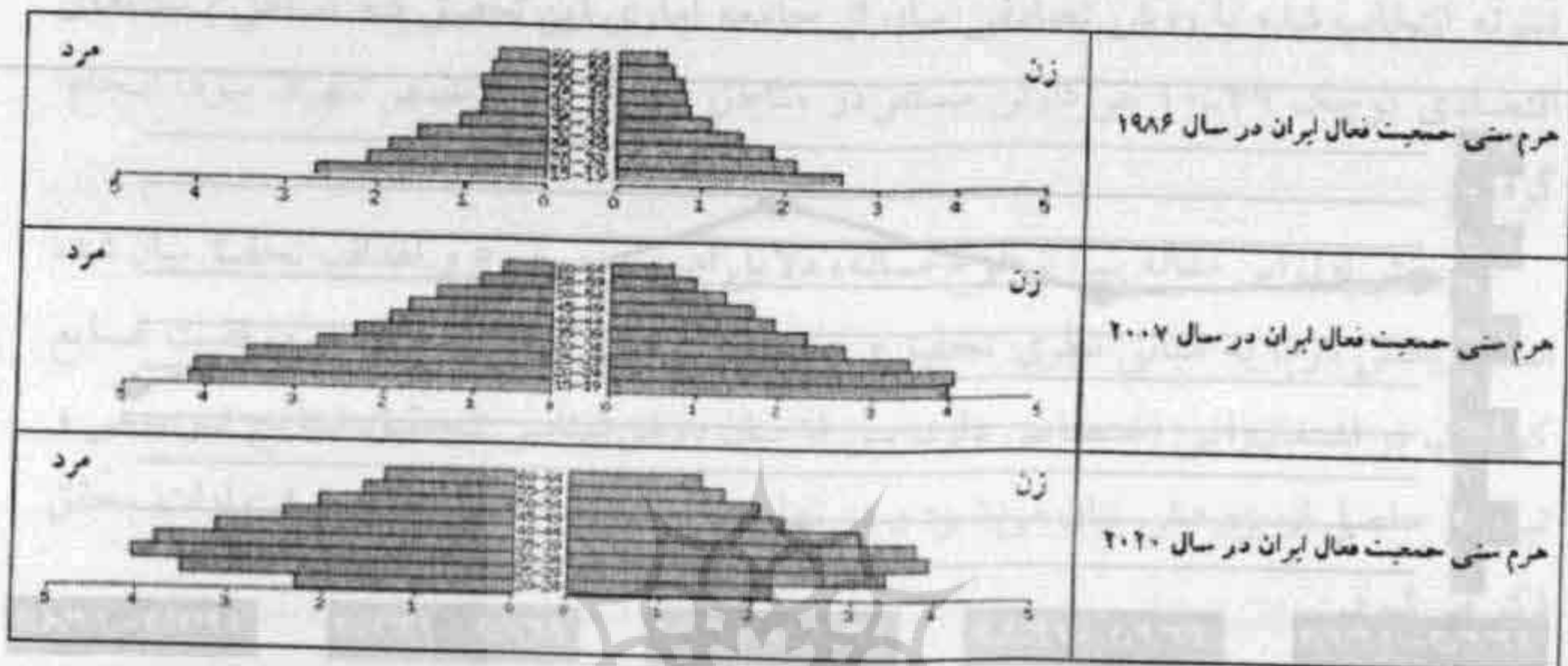


نمودار ۱- متوسط رشد جمعیت ایران در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

منبع: سایت مرکز آمار ایران

از آنجایی که جمعیت فعال بخش عمده و اصلی نیروی کار در هر جامعه را تشکیل می‌دهد، اطلاعات جمعیت فعال کشور در سه دهه گذشته می‌تواند مفید واقع شود. در سال ۱۳۶۵، ۵۱/۴ درصد جمعیت ایران در سنین فعالیت (۱۵ تا ۶۴ سالگی) قرار داشتند. این رقم برای سال ۱۳۷۵ معادل ۵۶ درصد و برای سال ۱۳۸۵ برابر ۷۱/۴۱ درصد است. این ارقام بیانگر اهمیت اشتغال زایی برای جمعیت فعال و آموزش و تحصیل برای جمعیت غیر فعال در سال‌های ۷۵ به بعد و دهه پیش‌رو است. زیرا هرم سنی جمعیت به آرامی از شکل جوان به میانه نزدیک شده و این روند تا زمان حاضر ادامه دارد.

مقایسه بخش جمعیت فعال در هرم سنی سال‌های ۱۹۸۶، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ این نکته را نشان می‌دهد که با حرکت گروه‌های واقع در پایین هرم به سوی گروه‌های سنی بالاتر، سالانه تعداد بیشتری از جمعیت آماده به کار، به بازار عرضه می‌شوند.



نمودار ۲ - مقایسه بخش جمعیت فعال هرم سنی ایران در سال‌های ۱۹۸۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۲۰ (جمعیت به میلیون نفر)

منبع: سایت اداره آمار ایالات متحده آمریکا، *کامون انسانی*

سال‌هاست که در کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای در حال توسعه، گسترش بنگاه‌های اقتصادی کوچک و زودبازده به عنوان یکی از استراتژی‌های افزایش اشتغال، تولید و درآمد سرانه، مورد توجه قرار می‌گیرد. زیرا صنایع کوچک، به سرمایه کمی به ازای هر نفر نیروی کار نیاز دارند در حالیکه چنین شرایطی عمدتاً در صنایع بزرگ فراهم نیست. در صنایع بزرگ، اغلب سعی می‌شود که در فرایند تولید از نیروی کار کمتری استفاده شود و عمدتاً این نظام‌های کنترل و فناوری ماشینی است که روند تولید را بر عهده دارد (جی‌اکس، ۱۳۸۱: ۵۴). ایجاد بنگاه‌های مذکور می‌تواند بخش مهمی از سیاست‌های اشتغال‌زایی را به خود اختصاص داده و پاسخگوی مشکل بیکاری در کشور ایران باشد.

اما در ایران، سهم بنگاه‌های ۴۹-۱۰ نفر کارکن از کل اشتغال صنعتی در سال ۱۳۷۹ برابر

۳۲/۶ درصد بوده است. رشد در تعداد شرکت‌های کوچک ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن بین دو دوره سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۷۷ (۱۹۹۸-۱۹۹۶) تنها ۸۳۱ مورد بوده است که یک رشد ۴ درصدی در سال را نشان می‌دهد با توجه به تعداد متقاضیان جدید کار (۸۰۰ هزار نفر در سال) این نرخ پایین به نظر می‌رسد. زیرا بر این اساس، هر ساله فقط حدود هشت هزار شغل صنعتی جدید در این بخش از بنگاه‌ها ایجاد می‌شود (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، ۱۳۸۴: ۱۲۳). این آمار نشان دهنده نادیده گرفتن قابلیت‌های بسیار بالای صنایع کوچک در سیاست‌های اقتصادی کشور است که یکی از عمده‌ترین آن‌ها بحث اشتغال و کمک به از بین رفتن معضل بیکاری است.

مساله مطرح در این مقاله، این است که با وجود چنین ظرفیت‌های بالقوه‌ای در بنگاه‌های اقتصادی کوچک، چه مسایلی موجب محدودیت توسعه این بنگاه‌ها و در نتیجه محدودیت اشتغال‌زایی آن‌ها شده است. از این رو هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی عوامل موثر بر میزان اشتغال‌زایی بنگاه‌های اقتصادی کوچک است.

۲- دلایل اهمیت بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط

تقریباً برای مدت دو قرن، بر سر بزرگ بودن^(۱) صنعت و اهمیت آن برای رشد اقتصادی وحدت نظر وجود داشته است. اما از اوایل دهه ۱۹۷۰، رفته رفته شکاف‌هایی در ساختار صنایع تولیدی بعضی کشورهای پیشرفته و داری بزرگترین کارخانه‌ها و صنایع، ظاهر شد. در همان زمان، نشانه‌هایی دال بر این که بعضی صنایع کوچک از نظر عملکرد از رقبای خود پیشی گرفته‌اند، آشکار گردید. شاید بهترین نمونه آن، صنعت فولاد ایالات متحده آمریکا باشد، که در آن زمان، صنایع جدید در این رشته، به شکل کارخانه‌های کوچک ذوب آهن و با اشتغال‌زایی محدود به بازار وارد می‌شدند (جی‌اکس، ۱۳۸۱: ۲۷). در حقیقت بحران اقتصادی دهه ۱۹۷۰ ناشی از ناتوانی بنگاه‌ها و سیاست‌گذاران در حفظ شرایط لازم (تثبیت بازار) برای نظام تولید

۱- در این معنا، صنایع بزرگ، هم از نظر مقیاس و هم حجم تولید انبوه، بزرگ نامیده می‌شوند. به گونه‌ای که جان می‌نارد کینز در سال ۱۹۲۶ نوشت: "من معتقدم که در بسیاری موارد، مقیاس مطلوب برای سازمان و واحد کنترل، چیزی بین فرد و دولت مدرن است." (جی‌اکس، ۱۳۸۰: ۲۵)

انبوه بود. اقتصاددانان این مرحله را مرحله تقسیم صنعتی^(۱) می‌نامند. موضوع ایجاد فرصت‌های شغلی در محدوده صنایع کوچک برای اولین بار در دهه ۱۹۷۰ در ایالات متحده به دنبال انتشار تحقیق دیوید برچ^(۲) به شکل گسترده‌ای در اخبار اقتصادی مطرح شد. نتایج تحقیق وی نشان داد که دیگر صنایع بزرگ، ایجادکنندگان اصلی اشتغال در امریکا نیستند و در عوض، اکثر شغل‌های جدید را صنایع کوچک تولید می‌کنند (جی‌اکس، ۱۳۸۱: ۵۴).

در حالی که در صنایع بزرگ، فناوری و دستگاه‌های ماشینی، نیروی محرکه تولید به شمار می‌روند، صنایع کوچک، مبتنی بر نیروی کار انسانی است و در این صنایع به ازای هرتفر نیروی کار، نیاز به سرمایه زیادی نیست. ساختارهای غیرانعطاف‌پذیر و پیچیدگی صنایع بزرگ سبب می‌شود تا عکس‌العمل‌های این صنایع در برابر تغییراتی مانند تغییرات اقتصادی، تغییر در سلیقه مشتریان و ...، بسیار پرهزینه و زمان‌بر باشد. اما صنایع کوچک به دلیل حجم کوچکشان، فاقد ساختارهای انعطاف‌ناپذیر و نظام‌های تصمیم‌گیری پیچیده‌اند. بنابراین سریعاً می‌توانند شرایط لازم برای تغییر را به دست آورند.

صنایع کوچک و متوسط از نظر صرفه‌جویی در مقیاس تولید، در بخشی از تولیدات نسبت به صنایع بزرگ برتری دارد. مطالعات نشان داده‌است که اگر واحد تولید از حد مشخصی بزرگتر شود، موجب عدم کارایی خواهد شد. کوچک شدن واحدهای اقتصادی در کشورهای غرب و تقسیم سازمانی موسسات بزرگ به واحدهای مستقل کوچک، نمونه‌هایی از این قانونمندی اقتصادی به شمار می‌روند. (صحرایان، ۱۳۸۰: ۱۱۲).

۳- چارچوب نظری

نظریات کلاسیک اقتصاد، تولید را عامل اصلی توسعه می‌دانند. مطابق این تفکر، از بازار تصویری ایستا در ذهن شکل می‌گیرد که تنها تغییر آن، حرکت از یک حالت تعادل به حالت تعادل دیگر است که در نهایت منجر به ایجاد اشتغال کامل نیز خواهد شد. شرایطی که در آن،

1- Divide Industrial

2- David Birch

کلید عوامل تولید (کارفرما، کارگر، سرمایه و مواد اولیه) مورد استفاده قرار گرفته و تغییرات تولید با تغییرات جمعیت کارگر و سرمایه موجود در جامعه متناسب می‌شود. نیو کلاسیک‌ها نیز این شرایط را منوط به تحقق شرایط تطبیق عرضه و تقاضا و از طریق پاسخ‌های منفعلانه خریداران و فروشندگان به نوسانات قیمت‌ها می‌دانند.

اما نظریه توسعه اقتصادی شامپیتتر^(۱)، به نقش کارآفرین به عنوان عامل انسانی که نوآوری می‌کند و باعث تحول و توسعه اقتصادی در عرصه سرمایه‌داری می‌شود، توجه کرده است. در سال ۱۹۱۱، شامپیتتر از بازارهای پویایی صحبت کرد که وابسته به تغییر مستمر رفتار خریدار و عرضه‌کننده است.

شامپیتتر، اقتصاد قوی را با دو پارامتر نشان داد. یکی وجود کارآفرینانی که قدرت نوآوری داشته باشند و دیگری وجود کارآفرینانی که تمایل به ایجاد کسب‌وکار دارند و شرکت تاسیس می‌کنند. جنبه‌ای از نظریه شومپیتتر که اهمیت خاص دارد این است که نوآوری‌های ایجاد شده توسط کارآفرینان، تقاضای جدید ایجاد می‌کند. آن‌ها مدیران مالک شرکت‌های جدید و مستقلی هستند که نوآوری‌ها را وارد بازار می‌کنند و این امر بدان معناست که کارآفرینان، عناصر اصلی ایجاد و توزیع ثروت هستند. او این فرایند را تخریب خلاق^(۲) می‌نامد چراکه کارآفرینان ثروت جدید را از طریق تخریب ساختارهای کنونی بازار ایجاد می‌کنند (لامعی، ۱۳۷۹: ۱۹).

اکس^(۳) و آدرش، بیان می‌کنند که نوآوری در تولید و فرایند به همراه افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان، موجبات رشد صنایع کوچک در عصر حاضر را فراهم کرده است. صنایع کوچک و متوسط، یکی از عمده‌ترین راه‌های جذب و شناخت مدیران موفق و کارآفرینان به شمار می‌رود. در بخش اهمیت صنایع کوچک و متوسط این مقاله، برخی دلایل توجه به صنایع کوچک و متوسط از جمله اشتغال‌زایی این صنایع، مورد توجه قرار گرفت. همان‌طور که ذکر شد، دیوید برچ در سال ۱۹۸۱، با انجام مطالعات روی صنایع کوچک در

1- Shampiter (1883-1950)

2- Creative Destruction

3- Acs, 1992

ایالات متحده، بر قدرت اشتغال‌زایی این صنایع تاکید کرد. همچنین بسیاری از نظریه‌پردازان علم اقتصاد نیز از صنایع کوچک به عنوان کلید حل مشکل اشتغال‌زایی کشورهای در حال توسعه یاد کرده‌اند.

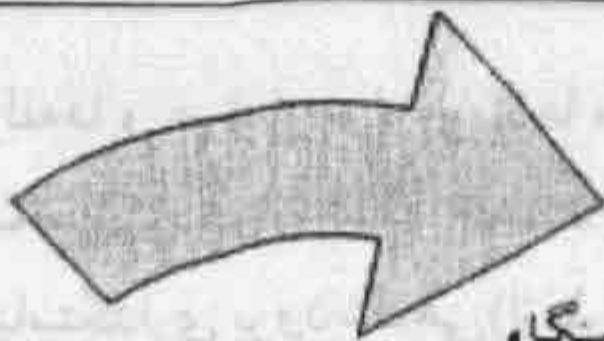
در زمینه اهمیت نقش بنگاه‌های اقتصادی کوچک در اشتغال‌زایی می‌توان از نظریه اقتصاد جمعی آرتور لویس^(۱) استفاده کرد. آرتور لویس از طرفداران استفاده از صنایع کاربر در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. به عقیده وی، استفاده بیشتر از نیروی کار با حجم مشخصی از سرمایه فیزیکی، منجر به افزایش تولید و اشتغال‌زایی می‌شود. وی در نظریه اقتصاد جمعی خود در مورد صنایع کوچک بیان می‌کند که صنعت کوچک اجازه می‌دهد که در مصرف سرمایه صرفه‌جویی شود. در کشورهایی که توسعه کافی نیافته‌اند، سرمایه، بسیار کم و نادر است و در دوره‌های اولیه اقتصادی، چنانچه این سرمایه صرف امور حمل و نقل، خدمات اولیه همگانی، امور آبیاری، وسایل کشاورزی و یا صرف انواع صنایع تبدیلی شود که در آن‌ها امتیازات فراوان و قابل توجهی وجود دارد، می‌توان از آن‌ها منافع بیشماری کسب کرد. ولی در صورتی که این سرمایه با توسل به شیوه‌های نو و پرمرد در صنایع کوچک به کار گرفته شود، می‌تواند بسیار موثرتر باشد و علاوه بر بازدهی در موارد ذکر شده، نقش موثری نیز در اشتغال‌زایی کشورهای توسعه نیافته ایفا کند (وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۵۰: ۲۹).

در زمینه موانع موجود بر سر راه اشتغال‌زایی صنایع کوچک، وضعیت اشتغال‌زایی در بنگاه‌های کوچک و متوسط را می‌توان از دو دیدگاه ایستا و پویا مورد بررسی قرار داد. در این تحقیق به منظور بررسی عوامل موثر بر اشتغال‌زایی بنگاه‌های اقتصادی کوچک از نظریات مید و لیدهلم^(۲) در دیدگاه پویا استفاده شده است. مید و لیدهلم چرخه عمر صنایع کوچک را به صورت نمودار زیر در نظر می‌گیرند:^(۳)

1- Arthur Louis

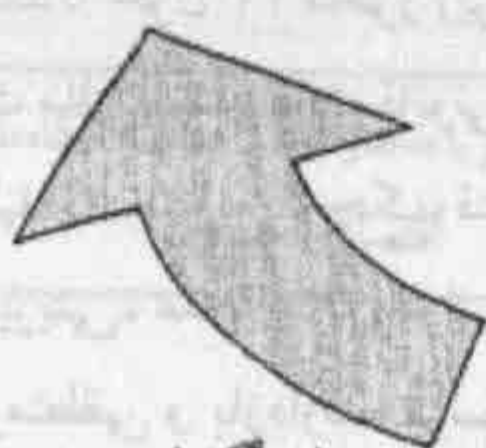
2- Mead & Liedholm (1998)

۳- اصطلاحات تولد، زندگی و مرگ، توسط نگارنده به دلیل راحتی مراجعه به این مراحل و به وجود آمدن درک یکسان با خواننده، استفاده شده است.

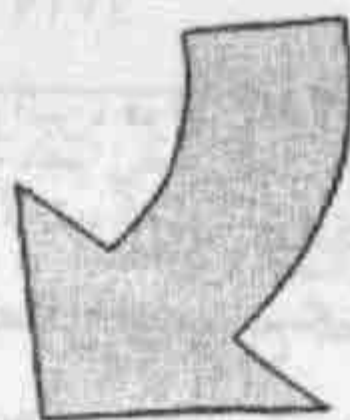


محدود یا گسترده شدن بنگاه
(افزایش یا کاهش فرصت‌های شغلی ایجاد شده
نوسط بنگاه)

تاسیس بنگاه
(ایجاد فرصت‌های شغلی)



تعطیلی بنگاه
(از بین رفتن فرصت‌های شغلی ایجاد شده توسط بنگاه)



نمودار ۳- چرخه احتمالی عمر بنگاه‌های اقتصادی کوچک

- شروع فعالیت بنگاه اقتصادی کوچک (تولد)

- گسترش یا محدود کردن فعالیت بنگاه (زندگی)

- تعطیل شدن برخی بنگاه‌ها (مرگ)

در یک دوره زمانی خاص، همواره برخی از بنگاه‌ها تاسیس شده و آغاز به کار می‌کنند که این امر به معنای نیاز به نیروی کار جدید (اشتغال‌زایی) است. در دوره دوم، بنگاه‌هایی که در ابتدای دوره مورد نظر وجود داشته‌اند، به گسترش (و یا محدود کردن) فعالیت‌های خود می‌پردازند که این امر نیز موجب افزایش (و یا کاهش) در تقاضای نیروی کار خواهد شد. گسترش فعالیت‌ها نیز می‌تواند به صورت استفاده از ظرفیت‌های خاص موجود و یا افزایش مقیاس بنگاه باشد. گروه دیگری از بنگاه‌ها نیز در طول دوره مورد نظر، تعطیل شده و در حقیقت تاثیر منفی روی اشتغال خواهند گذاشت و باعث از بین رفتن فرصت‌های شغلی ایجاد شده در ابتدای دوره می‌شوند (متوسلی، ۱۳۷۹: ۳۵). عوامل موثر بر اشتغال‌زایی این بنگاه‌ها در هر دوره زمانی در کشورهای مختلف ممکن است متفاوت باشد.

مید و لیدهلم تاکید می‌کنند که سیاست‌های حمایتی برای بنگاه‌های کوچک و خرد، باید ناظر بر مولفه‌های چرخه عمر این بنگاه‌ها و عوامل موثر بر آنها باشند. در حقیقت، چرخه

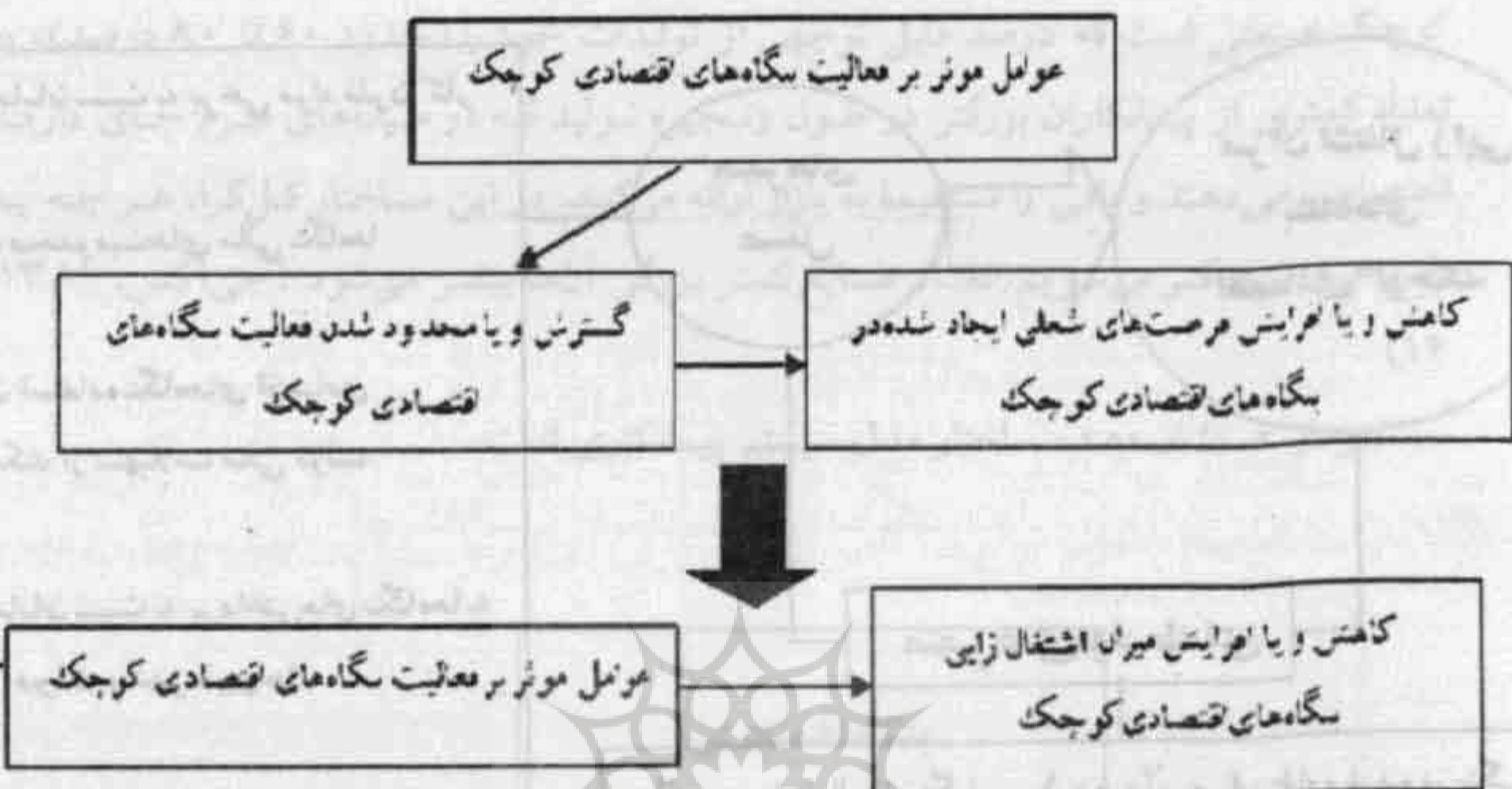
زندگی بنگاه‌های کوچک و مولفه‌ها و عوامل موثر بر آنها می‌تواند نکات مهمی را در زمینه اشتغال‌زایی صنایع کوچک مشخص کرده و روشنگر خطوط اساسی برنامه‌ریزی درون‌بنگاهی (از طرف مدیران بنگاه‌ها) و سیاستگذاری برون‌بنگاهی (از طرف دولت) باشد.

بر اساس تحقیق میدانی انجام شده در سال ۱۹۹۴ در ۷۸ کشور جهان که توسط بانک وست‌می‌نیستر انگلستان^(۱) انجام شد، مشکلات اصلی صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف عمدتاً حول ۱۲ محور زیر بیان شد (نبی‌زاده، ۱۳۷۹: ۷۲۹):

مباحث مالی، تشریفات قانونی و طولانی بودن گردش قوانین، قوانین کارگری، بازاریابی و فروش تولیدات صنایع کوچک، فناوری و فرسودگی ماشین‌آلات، کمبود نیروی انسانی ماهر، ضعف مدیریتی، عدم اجرای قوانین، عدم حمایت‌های بین‌المللی از صنایع کوچک، وجود قوانین غیرمنطقی و بازدارنده توسعه صنایع کوچک، مالیات‌های بازدارنده و ضد توسعه صنایع کوچک، کمبود اطلاعات و نبودن نظام‌های اطلاع‌رسانی کارآمد.

کشورهای صنعتی و توسعه یافته با انجام مطالعات علمی - تحقیقی و ایجاد سازمان‌های پویا و با تصویب قوانین حمایتی از صنایع کوچک و متوسط و موظف کردن تمامی سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و غیردولتی به حمایت و پشتیبانی از صنایع کوچک و متوسط توانسته‌اند مشکلات فوق را به حداقل ممکن کاهش بدهند اما این مشکلات در کشورهای در حال توسعه، به طرز چشمگیری مشهود است.

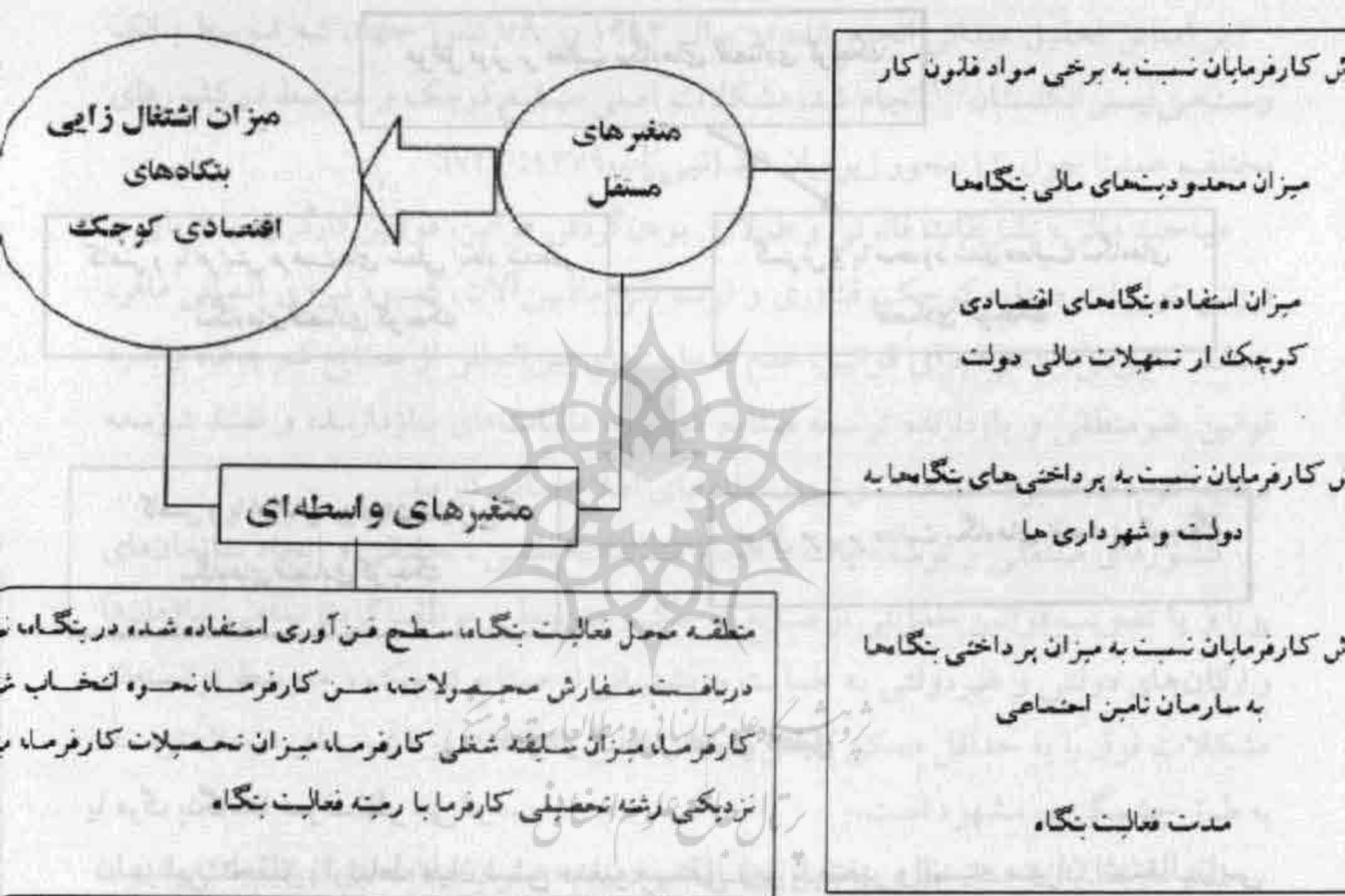
نمودار شماره ۴ مدل نظری تحقیق را نشان می‌دهد. به عنوان خلاصه‌ای از نظریات پشتیبان این تحقیق می‌توان گفت که مطابق نظریه آرتور لوییس، بنگاه‌های اقتصادی کوچک در اشتغال‌زایی بخصوص در کشورهای در حال توسعه، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، مطابق با نظریه مید و لیدهلم، در چرخه زندگی صنایع کوچک، شامل تولد، زندگی و احتمالاً مرگ برای برخی بنگاه‌ها، فرصت‌های شغلی ایجاد شده توسط این بنگاه‌ها تغییر خواهد کرد (کاهش یا افزایش می‌یابد). با توجه به مطالب فوق، در این تحقیق برآنیم که نشان دهیم عوامل موثر بر چرخه عمر صنایع کوچک بر میزان اشتغال‌زایی این صنایع موثر است. در این تحقیق، تنها بر دوره زندگی بنگاه‌های اقتصادی کوچک تمرکز کرده و از عوامل موثر بر ایجاد



نمودار ۲- مدل نظری تحقیق

یا مرگ بنگاه‌ها صرف نظر می‌شود.

در این تحقیق، ارتباط میان شش متغیر مستقل زیر با متغیر وابسته میزان اشتغال‌زایی بنگاه‌های اقتصادی کوچک، از دیدگاه کارفرمایان مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارتند از: نگرش کارفرمایان نسبت به برخی مواد قانون کار؛ میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها؛ میزان استفاده بنگاه‌های اقتصادی کوچک از تسهیلات مالی دولت؛ نگرش کارفرمایان نسبت به پرداختی‌های بنگاه‌ها به دولت و شهرداری؛ نگرش کارفرمایان نسبت به میزان پرداختی بنگاه‌ها به سازمان تامین اجتماعی و مدت فعالیت بنگاه. همچنین، نقش متغیرهای زیر به عنوان متغیرهای واسطه‌ای از نوع تعدیل کننده مورد بررسی قرار خواهد گرفت: منطقه محل فعالیت بنگاه، سطح فن‌آوری مورد استفاده در بنگاه؛ نحوه دریافت سفارش محصولات؛ سن کارفرما؛ نحوه انتخاب شغل کارفرما؛ میزان سابقه شغلی کارفرما؛ میزان تحصیلات کارفرما؛ میزان نزدیکی رشته تحصیلی کارفرما با زمینه فعالیت بنگاه (نمودار ۵).



نمودار ۵- معرفی متغیرهای مستقل، زمینه‌ای و وابسته تحقیق

یکی از راه‌کارهای موفق در زمینه موفقیت و توسعه فعالیت صنایع کوچک، ارتباط بنگاه‌های اقتصادی کوچک با یکدیگر و با بنگاه‌های بزرگتر است. این کار در راستای کاهش مشکلات صنایع کوچک و بزرگ صورت می‌گیرد. به طوری که این امکان را می‌دهد تا از قابلیت‌های صنایع کوچک در کنار مزیت‌های تولید انبوه در کنارهم استفاده شود. مدل توسعه بر اساس سیستم پیمانکاری و مدل خوشه‌ای، از جمله مدل‌هایی هستند که بر اساس چنین ایده‌های طراحی شده‌اند.

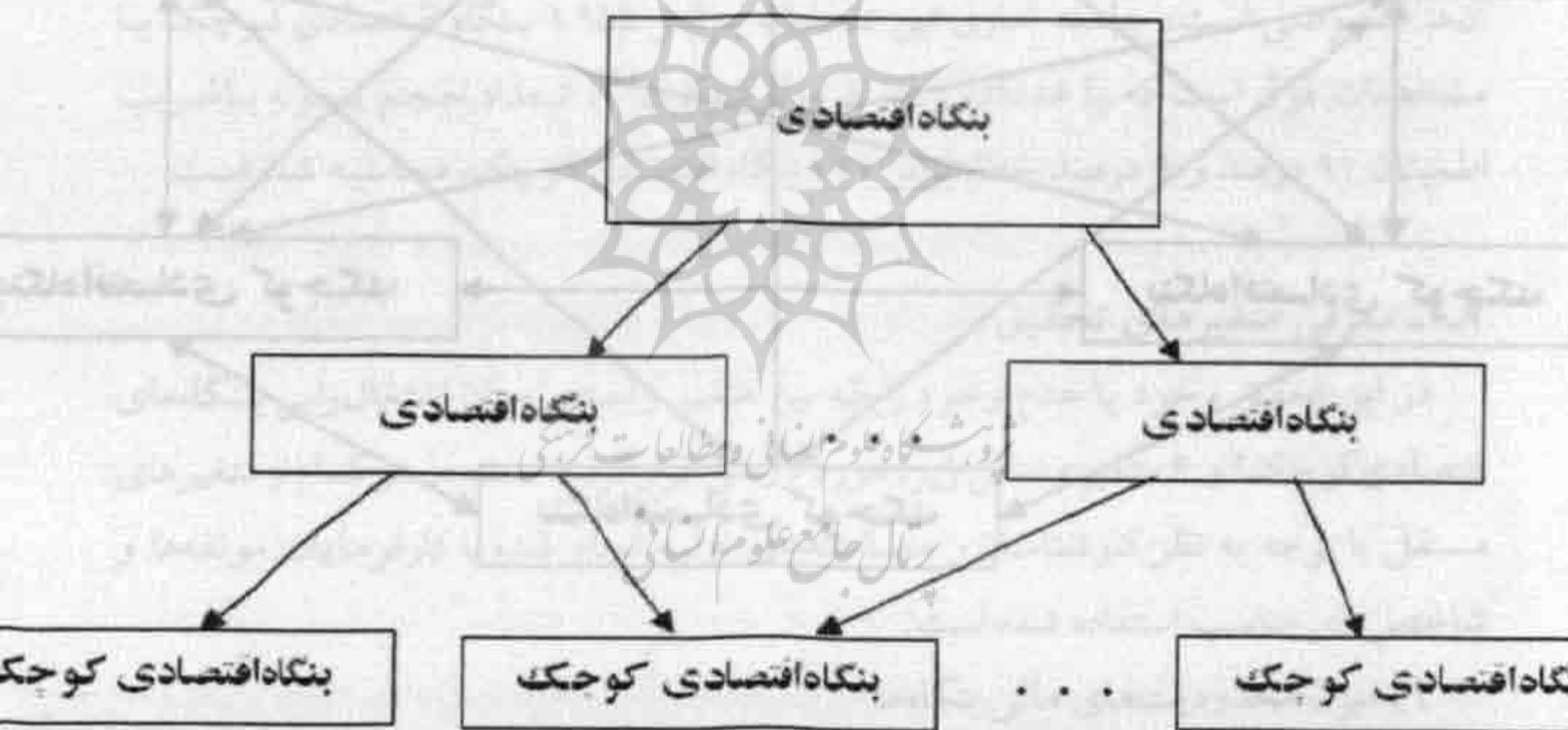
مدل توسعه بر اساس سیستم پیمانکاری، به واحدهای بزرگ داخلی و خارجی این امکان را

می دهد تا با انجام قراردادهای پیمانکاری فرعی با واحدهای کوچک، از خصوصیات خاص این صنایع، نظیر انعطاف پذیری نسبت به تغییرات استفاده موثر ببرند.

در این مدل، از یک ساختار هرمی شکل استفاده می شود. قاعده هرم متشکل از بنگاه های کوچک صنعتی است که درصد قابل توجهی از تولیدات خود را (حدود ۶۰ تا ۸۰ درصد)، به تعداد کمتری از پیمانکاران بزرگتر در طول زنجیره تولید که در میانه های هرم جای دارند اختصاص می دهند و باقی را مستقیماً به بازار ارائه می کنند. در این ساختار کل گرا، هر چه به راس هرم نزدیکتر می شویم، تعداد صنایع کمتر بزرگی آنها بیشتر می شود. (جی اگس، ۱۳۸۱:

(۱۴)

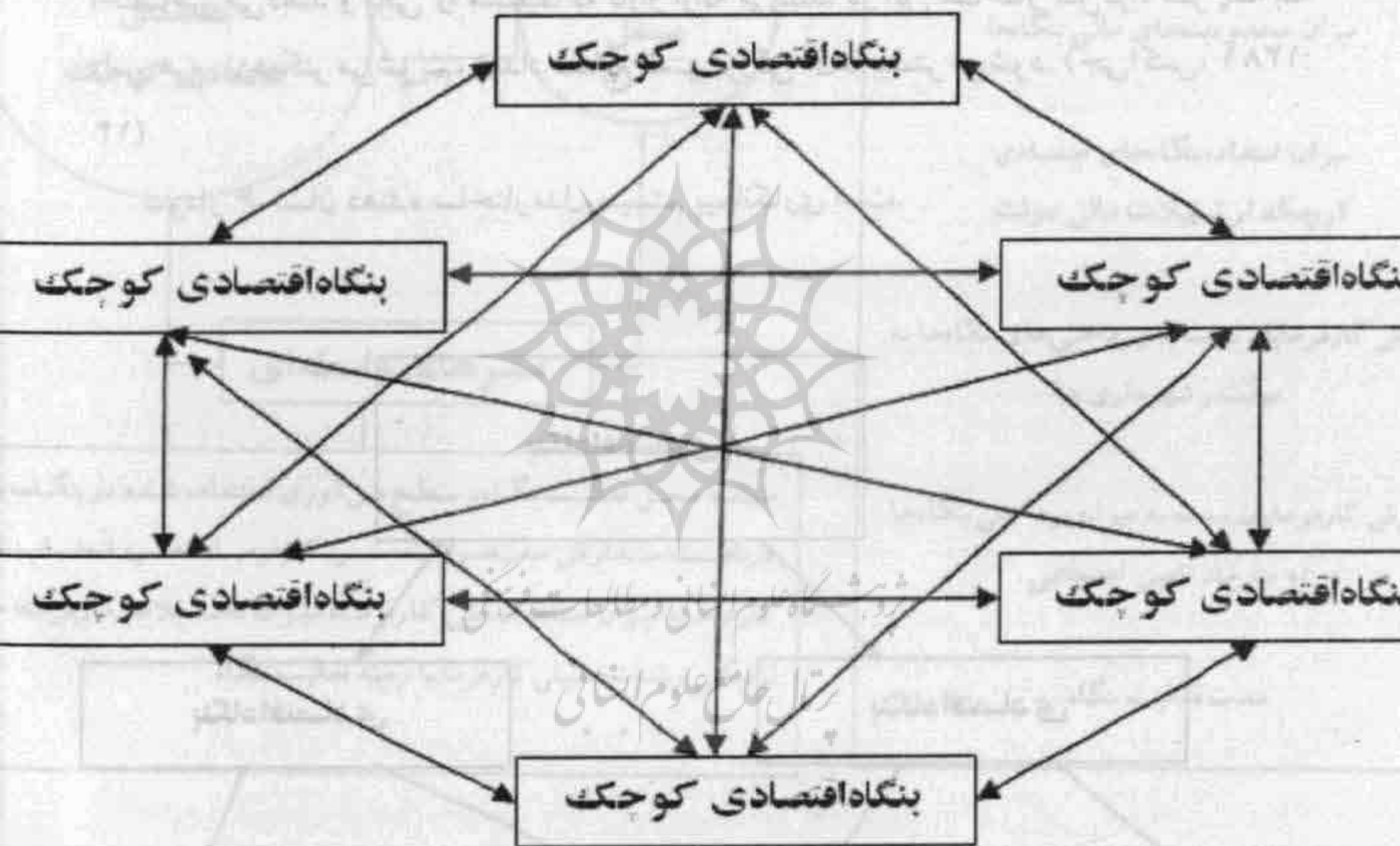
نمودار ۶، نشان دهنده ساختار مدل سیستم پیمانکاری است.



نمودار ۶- ساختار مدل سیستم پیمانکاری

از حدود سه دهه پیش، ساختار خوشه های^(۱) صنعتی در کشور ایتالیا نظر دانشمندان علوم

توسعه را به خود جلب کرده است. هر خوشه صنعتی (نمودار ۷) متشکل از تعدادی از صنایع کوچک است که با ایجاد شبکه‌های ارتباطی منظم فعالیت می‌کنند. چنین همکاری سیستماتیکی سبب کاهش برخی مشکلات خاص این صنایع می‌شود (جی‌اکس، ۱۳۸۱: ۱۹).



نمودار ۷- ساختار مدل خوشه‌ای

۴- روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق، از روش پیمایشی به شیوه انجام مصاحبه حضوری و تکمیل پرسشنامه با صاحبان بنگاه‌های اقتصادی کوچک استفاده شده است. روش کتابخانه‌ای برای مطالعه ادبیات موضوع، بررسی پیشینه تحقیق و مبانی نظری با استفاده از کتاب‌ها، نشریات، مقالات داخلی،

مقالات خارجی و سایت‌های اینترنتی معتبر استفاده شده است. واحد تحلیل در این تحقیق، برابر بنگاه اقتصادی کوچک است که بنا بر تعریف قراردادی این تحقیق، به صورت زیر مشخص شده است: «بنگاه‌های اقتصادی با نوع فعالیت تولید (صنعت-ساخت) و با تعداد کارکن^(۱) بین ۱۰ تا ۴۹ نفر»

۴-۱- جامعه آماری و نمونه تحقیق

جامعه آماری مورد مطالعه، کلیه کارگاه‌های صنعتی ثبت شده در سرشماری کارگاهی سال ۱۳۷۹ مرکز آمار ایران است که در حوزه مناطق بیست گانه شهر تهران قرار داشته، نوع فعالیت آنها تولید (صنعت-ساخت) بوده، ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن دارند و وضعیت مالکیت و مدیریت در آنها خصوصی است، جامعه آماری این تحقیق، برابر ۱۹۵۵ بنگاه اقتصادی کوچک با مشخصات فوق است که با عددگذاری در فرمول کوکران^(۲)، تعداد حجم نمونه با ضریب اطمینان ۹۱ درصد و ۹ درصد خطا، برابر ۱۲۰ بنگاه اقتصادی کوچک، محاسبه شده است.

۴-۲- معرفی متغیرهای تحقیق

در این تحقیق وجود یا عدم وجود رابطه بین متغیر وابسته "میزان اشتغال‌زایی بنگاه‌های اقتصادی کوچک" و ۶ متغیر مستقل زیر، مورد بررسی قرار گرفته است. در هر کدام از متغیرهای مستقل با توجه به نظر کارشناسان و مصاحبه‌های اولیه انجام شده با کارفرمایان، مولفه‌ها و شاخص‌های مناسب استفاده شده است:

(۱) میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها

عواملی که سبب افزایش هزینه‌های بنگاه شده اما نمی‌توان تمام این هزینه‌ها را به کالاهای تولید شده توسط بنگاه نسبت داد. مشکلات ایجاد شده توسط این عوامل، سبب اختلال در روند فعالیت بنگاه خواهند شد.

۱- اعم از شاغلان تولیدی و غیرتولیدی

برای عملیاتی کردن این مفهوم، از میان بسیاری از عوامل موثر بر افزایش هزینه‌های بنگاه‌های کوچک، با استفاده از تحقیقات قبلی انجام شده، نظر کارشناسان و انجام مصاحبه‌های عمیق اولیه با تعدادی از کارفرمایان، مواردی به عنوان مولفه‌های متغیر میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها انتخاب شدند که عبارتند از: خرید مواد اولیه، رقابت با اجناس چینی، عدم دریافت به موقع درآمد حاصل از فروش، هزینه‌های بازاریابی محصولات، هزینه‌های حمل و نقل و انبارداری

در مورد هر یک از مولفه‌های فوق، شاخص‌های به کار رفته به دو صورت مطرح شد: الف) نظر کارفرمایان نسبت به این که تا چه اندازه در بنگاه اقتصادی خود با هر یک از موارد بالا دچار مشکل هستند؟ ب) نظر کارفرمایان نسبت به این که تا چه اندازه هر یک از موارد فوق در افزایش هزینه‌های بنگاه موثر است؟

۲) نگرش کارفرمایان نسبت به پرداختی‌های قانونی بنگاه‌ها به سازمان تامین اجتماعی پرداختی‌هایی که طبق ماده ۲۸ منابع درآمد و ماده ۵ قانون بیکاری سازمان تامین اجتماعی باید توسط صاحبان بنگاه‌های اقتصادی به سازمان تامین اجتماعی پرداخت شود.

مولفه‌های بیمه اجباری و بیمه بیکاری به عنوان مولفه‌های این متغیر در نظر گرفته شد و در مورد هر دو مولفه بیمه اجباری و بیمه بیکاری، شاخص‌های به کار رفته به دو صورت مطرح شد: الف) نگرش کارفرمایان نسبت به این که تا چه اندازه با پرداخت درصد هر یک از بیمه‌های فوق در بنگاه اقتصادی خود دچار مشکل هستند؟ ب) نگرش کارفرمایان نسبت به این که تا چه اندازه با پرداخت درصد هر یک از بیمه‌های فوق در افزایش هزینه‌های بنگاه موثر است؟

۳) نگرش کارفرمایان نسبت به نقش برخی قوانین کارگری در مسایل مربوط به اشتغال‌زایی منظور از قوانین کارگری، قانون کار جمهوری اسلامی ایران است که از تاریخ ۱۴ اسفندماه ۱۳۶۹ لازم‌الاجرا شد. برای عملیاتی کردن این مفهوم، از برخی قوانین مشکل‌زای قانون کار استفاده شده است. انتخاب این قوانین، با مشورت برخی از اساتید حقوق کار و همچنین انجام مصاحبه عمیق با تعدادی از کارفرمایان بنگاه‌های اقتصادی کوچک صورت گرفته است.

ماده ۵ و ۱۴۸ (الزام اجرای قوانین کار و تامین اجتماعی)؛ ماده ۲۱ (شرایط انقضای قرارداد کار)؛ ماده ۲۴ (شرایط پرداخت سنوات به کارگر)؛ ماده ۲۷ (شرایط اخراج کارگر) و ماده ۴۱ (در نظر گرفتن حداقل حقوق شورای عالی کار در تعیین حقوق کارگران).

در مورد هر یک از مولفه‌های فوق، شاخص‌های به کار رفته به دو صورت مطرح شد:
الف) تاثیر هر یک از مواد قانونی فوق در خودداری از استخدام کارگران در بنگاه از دید کارفرمایان؟ ب) تاثیر هر یک از مواد قانونی فوق در تعدیل (اخراج) کارگران از بنگاه از دید کارفرمایان؟

۴) نگرش کارفرمایان نسبت به پرداختی‌های قانونی بنگاه‌ها به دولت و شهرداری مبالغی که دولت و شهرداری بر طبق قانون برای تقویت عمومی حکومت و تامین مخارج عمومی از بنگاه‌های اقتصادی دریافت می‌کند. این دریافتی‌ها بخشی از سیاست مالی^(۱) دولت را تشکیل می‌دهند. بنگاه‌ها تحت دو عنوان مالیات^(۲) و عوارض^(۳) این مبالغ را به دولت و شهرداری‌ها پرداخت می‌کنند.

مولفه‌های این متغیر، شامل پرداخت مالیات و پرداخت عوارض است که پرداخت عوارض شامل عوارض شهرداری، عوارض وزارت صنایع و معادن، عوارض بهداشتی، عوارض محیط زیست، عوارض صدا و سیما و عوارض آموزش و پرورش می‌شود.

در مورد هر یک از مولفه‌های فوق، شاخص‌های به کار رفته به دو صورت مطرح شد:
الف) نظر کارفرمایان نسبت به این که تا چه اندازه در بنگاه اقتصادی خود با هر یک از موارد بالا دچار مشکل هستند؟ ب) نظر کارفرمایان نسبت به این که تا چه اندازه هر یک از موارد فوق در افزایش هزینه‌های بنگاه موثر است؟

۵) میزان استفاده از تسهیلات مالی دولت امکاناتی که دولت به عنوان کمک به کاهش هزینه‌های بنگاه‌های اقتصادی و کمک به افزایش سودآوری بنگاه‌ها در اختیار بنگاه‌ها قرار می‌دهد که به دو صورت زیر انجام می‌شود:
الف) به صورت پرداخت مبالغ محدودی پول از یک بانک بازرگانی و یا سازمان دولتی به بنگاه‌های اقتصادی ب) به صورت معافیت از پرداختی‌های قانونی بنگاه‌ها به سازمان‌های دولتی

مولفه‌های متغیر فوق به صورت زیر در نظر گرفته شد: میزان استفاده از وام‌های بانکی و

1- Fiscal Policy

2- Tax

3- Dutie

غیربانکی، میزان استفاده از معافیت‌های مالیاتی، میزان استفاده از معافیت‌های عوارضی، استفاده از تسهیلات وزارت صنایع و معادن برای بنگاه‌های کوچک و زودبازده در مورد هر یک از مولفه‌های فوق، شاخص‌های به کار رفته به صورت میزان استفاده بنگاه‌های اقتصادی کوچک از هر یک از موارد فوق بنا به اظهار کارفرمایان، مورد بررسی قرار گرفت.

۶) مدت زمان فعالیت بنگاه

منظور تعداد سال‌هایی است که از تاریخ تاسیس بنگاه و شروع به فعالیت بنگاه تا کنون می‌گذرد (فاصله زمانی اخذ مجوز تا تاسیس بنگاه مورد نظر نیست). در مورد هر یک از متغیرهای ۱ تا ۵ که مطرح شد، سوالات به صورت یک طیف پنج قسمتی از کارفرمایان پرسیده شده است. سپس برای محاسبه مقادیر هر متغیر، مجموع نمرات کسب شده از شاخص‌های مذکور محاسبه شده است. برای محاسبه مجموع نمرات کسب شده، تمام شاخص‌ها دارای ضریب برابر هستند. میزان اشتغال‌زایی بنگاه، تنها متغیر وابسته این تحقیق به شمار می‌رود که به صورت زیر تعریف شده است:

میزان اشتغال‌زایی بنگاه برابر است با نسبت تعداد شاغلین بنگاه در حال حاضر (اعم از تولیدی و غیرتولیدی) به ظرفیت ایجاد شغل در بنگاه. این ضریب بین صفر تا یک است. ظرفیت ایجاد شغل در این فرمول به جای ظرفیت اسمی ایجاد اشتغال در بنگاه اقتصادی استفاده شده است. ظرفیت اسمی ایجاد اشتغال در بنگاه اقتصادی، عددی است که با توجه به سرمایه، نوع فناوری مورد استفاده، اندازه بنگاه، حجم تولیدات، تعداد دستگاه‌های فعال، نوع تولیدات و... به عنوان حداکثر ظرفیت ایجاد شغل مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما در آزمون‌های مقدماتی مشخص شد که کارفرمایان این عدد را یا به خاطر نمی‌آورند و یا اساساً معنی آن را نمی‌دانند. از سوی دیگر، برای محاسبه این رقم توسط محقق، به استفاده از اطلاعاتی نیاز بود که کارفرمایان از ارائه آن اجتناب می‌کردند. از این رو، از ظرفیت ایجاد اشتغال به جای ظرفیت اسمی استفاده شد به طوری که کارفرمایان، میزان فرصت شغلی که کارگاه به صورت بالقوه می‌تواند ایجاد کند را بیان کرده‌اند. همان‌طور که در عنوان این تحقیق هم مشخص است، این تحقیق بر آن است که عوامل موثر بر میزان اشتغال‌زایی بنگاه‌های اقتصادی کوچک را از دیدگاه

کارفرمایان مورد بررسی قرار دهد، از این رو، با استفاده از اطلاعات خود کارفرمایان برای محاسبه ظرفیت ایجاد شغل در بنگاه، بدون اشکال به نظر می‌رسد. تعداد شاغلان بنگاه در حال حاضر و ظرفیت ایجاد اشتغال در بنگاه اقتصادی، بر اساس واحد نفر منظور شده است.

۳-۴- اعتبار^(۱) و پایایی^(۲)

به منظور سنجش تطابق مفهوم یا معرف‌های تجربی سنجش (سنجش اعتبار پرسشنامه)، از پرسش‌های آزمون شده قبلی در پژوهش‌های مشابه و از روش محتوایی با دریافت و اعمال نظر کارشناسان و اساتید استفاده شده است.

به منظور بررسی "میزان همسانی نتایج سنجش مکرر" یا میزان پایایی پرسشنامه، از یک اجرای آزمایشی استفاده شده است. پس از تنظیم پرسشنامه نهایی، تعداد ۳۰ مورد از پرسشنامه‌ها تکمیل شد و برآورد پایایی از طریق تخمین پایایی سازگاری درونی^(۳) با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ^(۴) انجام شد. میانگین ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای پرسشنامه، برابر ۰/۸۰۱ محاسبه شد.

۵- نتایج تحقیق

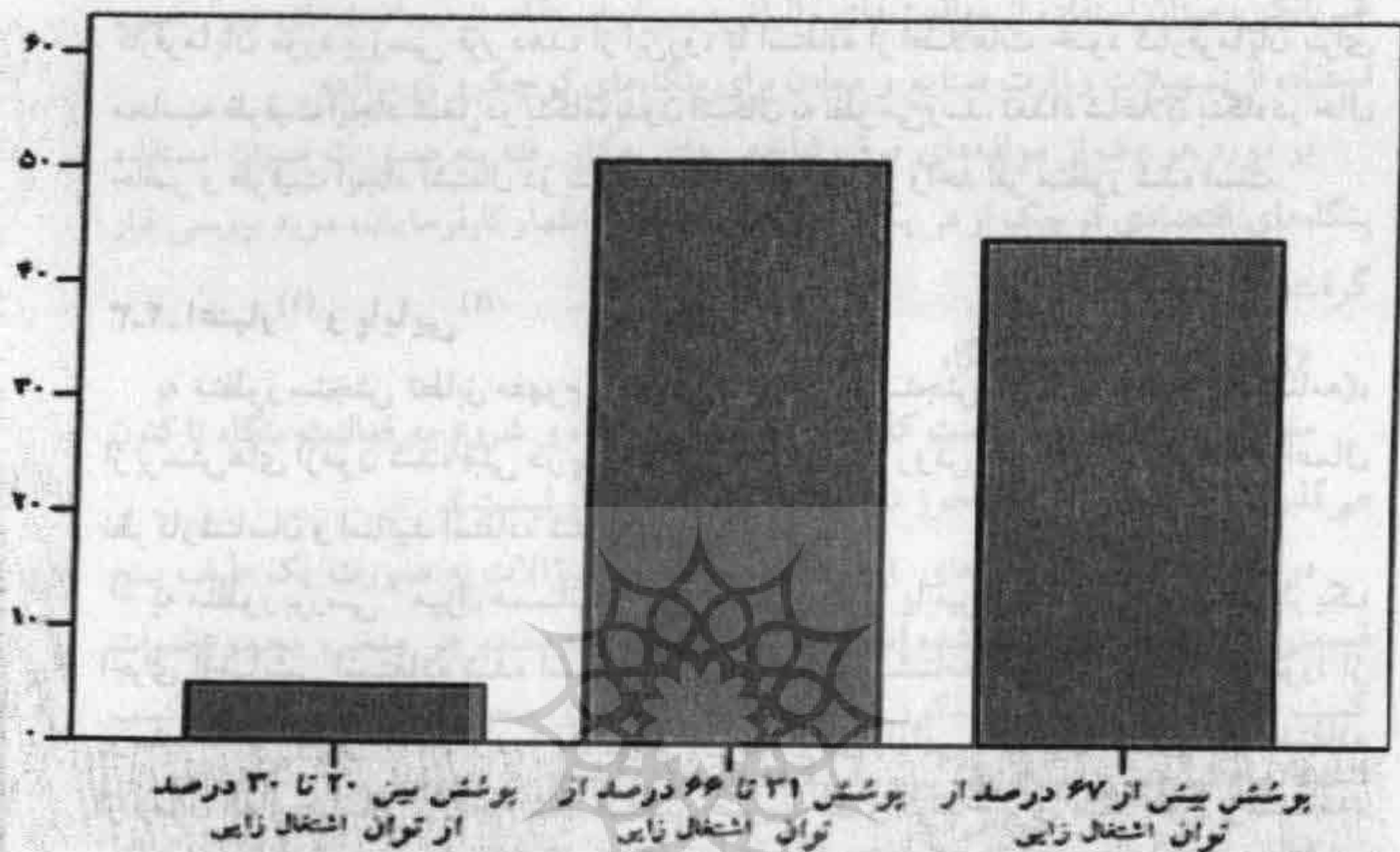
نحوه توزیع جامعه آماری تحقیق بر اساس میزان اشتغال‌زایی بنگاه‌ها نشان می‌دهد که ۵ درصد از بنگاه‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ درصد از توان اشتغال‌زایی خود را پوشش می‌دهند. ۵۰/۸ درصد بنگاه‌ها ۳۱ تا ۶۶ درصد از میزان اشتغال‌زایی خود را پوشش داده‌اند و ۴۴/۲ درصد از بنگاه‌ها، ۶۷ درصد و بیشتر از توان اشتغال‌زایی خود را پوشش داده‌اند. این مطلب حکایت از آن دارد که نیمی از بنگاه‌ها تنها توانسته‌اند ۳۱ تا ۶۶ درصد از میزان اشتغال‌زایی خود را پوشش بدهند. نمودار ۸، توزیع جامعه مورد مطالعه را برحسب متغیر میزان اشتغال‌زایی بنگاه اقتصادی نشان می‌دهد.

1- Validity

2- Reliability

3- Internal consistency estimates of reliability

4- Cronbach Coefficient Test



نمودار ۸- توزیع جامعه مورد مطالعه بر حسب متغیر وابسته میزان اشتغال زایی بنگاه

برای درک وجود رابطه یا فقدان رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق با استفاده از جداول توافقی و مرتبط با سطح سنجش متغیرها از آماره مناسب استفاده شده است. برای جداول توافقی شامل متغیرهایی با سطح سنجش ترتیبی - ترتیبی، از آماره d سامرز^(۱) استفاده شده است. از بین رابطه شش متغیر مستقل مورد بررسی تحقیق با متغیر وابسته میزان

1- Somers'd

مقدار این آماره از میانگین هندسی d سامرز با تغییر متغیر مستقل و وابسته محاسبه می‌شود. ضرب مقدار d سامرز، یکی از شاخص‌های آماری است که ارتباط بین متغیرهای ترتیبی را می‌سنجد. سامرز d یک شاخص نامتقارن است و مقدار نسبی تغییرات متغیر وابسته را بر اثر تغییرات متغیر مستقل به وجود آمده، اندازه‌گیری می‌کند و از این جهت شبیه ضریب رگرسیون است. مقادیر این شاخص بین -۱ تا $+۱$ است. منظور از مقدار $1b$ سامرز، میانگین هندسی سامرز d است که میانگین هندسی بین دو d سامرز با تغییر متغیرهای وابسته و مستقل را محاسبه می‌کند (ساعی، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

اشتغال‌زایی بنگاه‌ها، تنها بین میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها و میزان اشتغال‌زایی بنگاه‌ها می‌توانیم با اطمینان ۹۹ درصد بیان کنیم که رابطه معنی‌داری وجود دارد. جدول ۱ توزیع بنگاه‌های جامعه آماری تحقیق را بر اساس میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها و به تفکیک میزان اشتغال‌زایی آن‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۱ - توزیع بنگاه‌ها بر حسب میزان محدودیت‌های مالی بنگاه به تفکیک میزان اشتغال‌زایی بنگاه

محدودیت‌های مالی بنگاه	کم	متوسط	زیاد	جمع کل
میزان اشتغال‌زایی کم	۰	۱	۵	۶
متوسط	۳	۱۶	۴۲	۶۱
زیاد	۶	۲۴	۲۳	۵۳
جمع کل	۹	۴۱	۷۰	۱۲۰

نتایج حاصل نشان می‌دهد که مقدار d سامرز، برابر $0/266$ - در سطح معنی‌داری $0/001$ است. لذا با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین این دو متغیر، رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب منفی مقدار d سامرز نشان‌دهنده رابطه معکوس بین این دو متغیر است یعنی هرچه قدر بنگاه‌های مورد بررسی در این تحقیق به میزان کمتری با محدودیت‌های مالی درگیر بوده‌اند، توانسته‌اند میزان بالاتری از قابلیت‌های اشتغال‌زایی خود را پوشش بدهند و میزان اشتغال‌زایی آن‌ها بیشتر است و بالعکس. بنابراین بین میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها و میزان اشتغال‌زایی آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد.

در ادامه، با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره سعی می‌کنیم به تبیین و پیش‌بینی واریانس متغیر وابسته میزان اشتغال‌زایی بپردازیم. نتایج و معادله رگرسیون چند متغیره میزان اشتغال‌زایی با روش تحلیل رگرسیون چند متغیره ENTER به صورت جدول‌های ۲ و ۳ بدست آمد.

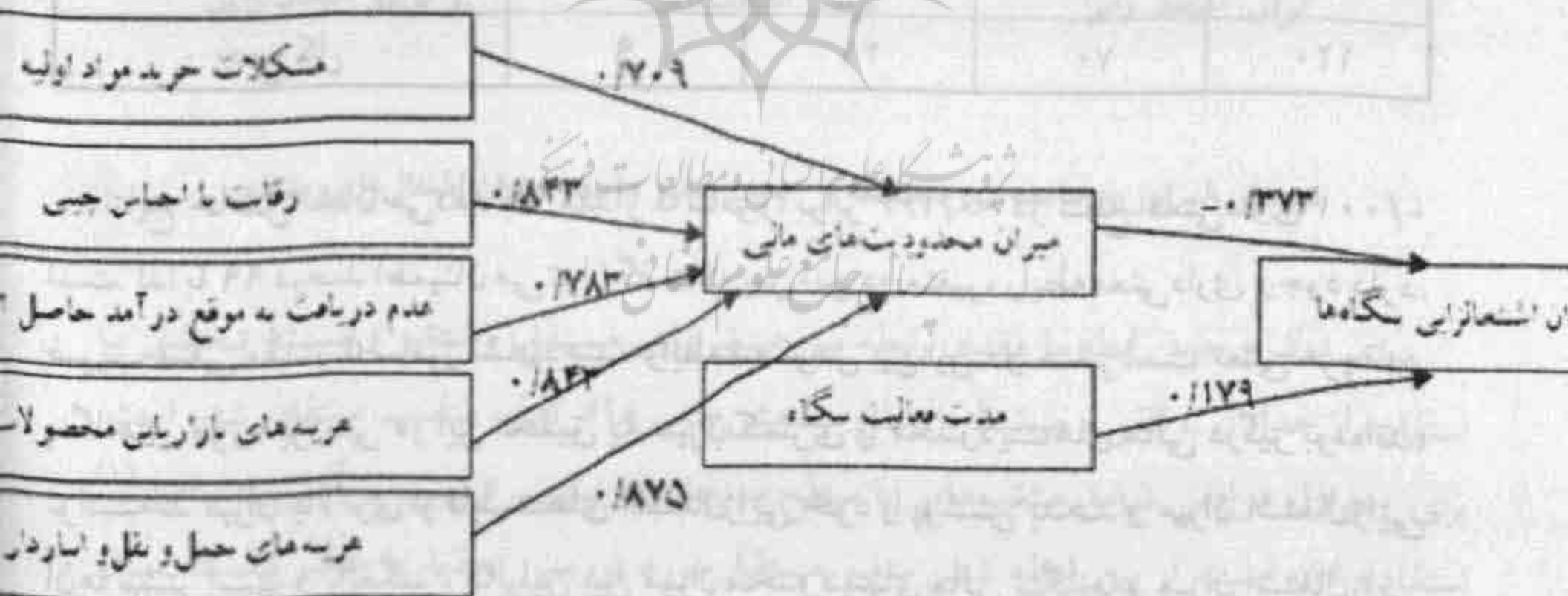
جدول ۲- نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره میزان اشتغال زایی بنگاه‌ها به روش Enter

۰/۴۰۲	ضریب همبستگی چندگانه ^(۱)
۰/۱۶۱	ضریب تبیین ^(۲)
۰/۱۰۹	ضریب تبیین تعدیل شده ^(۳)

جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس رگرسیون چندمتغیره میزان اشتغال زایی بنگاه‌ها بر اساس

متغیرهای مستقل تحقیق

سطح معنی‌داری	کمیت F	میانگین مربعات ^(۵)	درجه آزادی	مجموع مربعات ^(۴)	میان‌گروهی
		۰/۰۷۳	۷	۰/۵۰۹	میان‌گروهی
۰/۰۰۵	۳/۰۷۶	۰/۰۲۴	۱۱۲	۲/۶۴۶	درون‌گروهی
			۱۱۹	۳/۱۵۵	کل

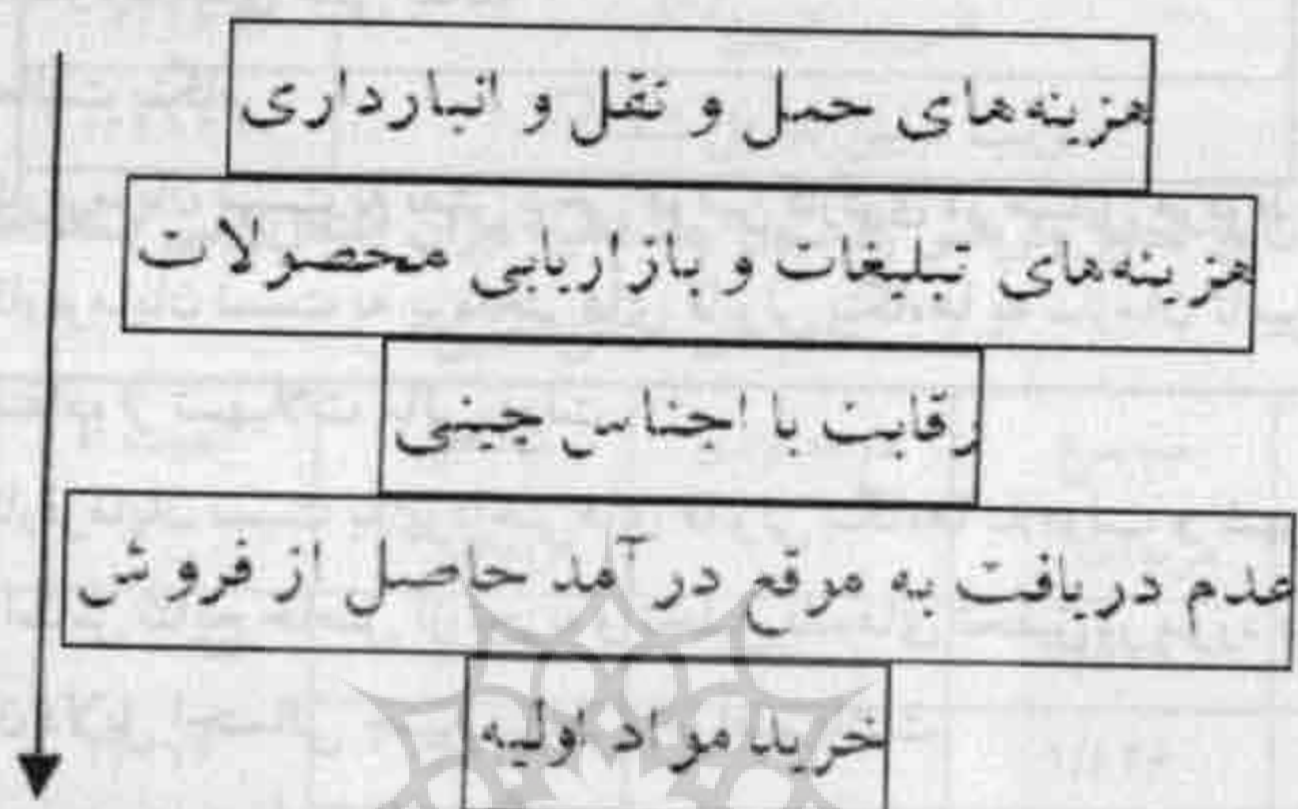


نمودار ۹- نمودار مسیر با استفاده از متغیرهای باقیمانده حاصل از تحلیل رگرسیون قدم به قدم

- 1- Multiple R
- 2- R Square
- 3- Adjusted R Square
- 4- Sum of Squares
- 5- Mean Square

بدین ترتیب می‌توان گفت ترتیب تاثیر متغیرهای تحقیق در میزان اشتغال‌زایی بنگاه به صورت زیر بوده است:

- (۱) میزان محدودیت‌های مالی بنگاه
 - (۲) مدت فعالیت بنگاه
 - (۳) نگرش کارفرمایان نسبت به نقش برخی قوانین کارگری در مسایل مربوط به اشتغال‌زایی
 - (۴) نگرش کارفرمایان نسبت به پرداختی‌های قانونی بنگاه‌ها به سازمان تامین اجتماعی
 - (۵) میزان استفاده از تسهیلات مالی دولت
 - (۶) نگرش کارفرمایان نسبت به پرداختی‌های قانونی بنگاه‌ها به دولت و شهرداری
- در ادامه، بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق در مورد هر یک از موارد بالا سعی در بیان دلایل احتمالی چنین نتایجی خواهیم داشت.
- متغیر میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها از مجموع ۱۰ شاخص و بر اساس اظهارات کارفرمایان در زمینه مولفه‌های تشکیل دهنده این متغیر که شامل مواردی مانند خرید مواد اولیه، رقابت با اجناس چینی، عدم دریافت به موقع درآمد حاصل از فروش، هزینه‌های بازاریابی محصولات و هزینه‌های حمل و نقل و انبارداری می‌شود، محاسبه گردید. نتایج حاصل از مجموع مقادیر شاخص‌های فوق نشان داد که ۵۸/۳ درصد از بنگاه‌ها میزان محدودیت‌های مالی خود را در سطح زیاد، ۴۳/۲ درصد در سطح متوسط و ۷/۵ درصد در سطح کم ارزیابی کرده‌اند. لازم به ذکر است که در هر کدام از سوالات مربوط به شاخص‌های تشکیل دهنده این متغیر که در بالا ذکر شد، بیشترین تعداد کارفرمایان بنگاه‌ها بیان کرده بودند که با این مسائل در بنگاه خود تا اندازه بسیار زیاد دچار مشکل هستند. تحلیل رگرسیون متغیر میزان محدودیت‌های مالی بنگاه از شاخص‌های سازنده این متغیر نشان داد که هزینه‌های حمل و نقل و انبارداری بیشترین تاثیر را بر میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها داشته و سپس هزینه‌های بازاریابی محصولات و رقابت با اجناس چینی در سطح دوم قرار دارند. عدم دریافت به موقع درآمد حاصل از فروش و نوسان قیمت خرید مواد اولیه به ترتیب در سطوح سوم و چهارم قرار گرفت. نمودار ۱۰ نشان دهنده عوامل موثر بر افزایش میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها به ترتیب اهمیت از دیدگاه کارفرمایان است.



نمودار ۱۰- عوامل موثر بر افزایش میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها به ترتیب اهمیت از

دیدگاه کارفرمایان

امروزه در علم اقتصاد، صحبت از تولید بدون انبارداری است. با ورود فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات، برای موفقیت در شرایط رقابتی جدید، به مهارت‌های جدیدی نیاز است. هزینه‌های بازاریابی و تبلیغات محصولات برای هر دو گروه صنایع کوچک و بزرگ یکسان است. صنایع کوچک و متوسط دایما باید درباره برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی، اطلاعات لازم را کسب و برای شرکت در این نمایشگاه‌ها اقدام نمایند. برای اجاره واحدهای تبلیغاتی در نمایشگاه‌ها و ...، هیچ‌گونه امکانات خاصی برای صنایع کوچک وجود ندارد. از سوی دیگر، اتخاذ سیاست‌های انقباضی در اقتصاد کلان توسط دولت، منجر به افزایش قابل ملاحظه در فشار نقدینگی بر صنایع کوچک و متوسط می‌شود. در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۹ فشارهای مالی بر واحدهای کوچک، بسیار زیاد بود در طی این دوره، شرکت‌ها تمام تولیدات خود را به طور قسطی فروختند که این امر موجب کاهش نقدینگی آن‌ها شد.

بنگاه‌هایی که به واحدهای بزرگ متعلق هستند، به شکل تاخیر در پرداخت از این امر متاثر می‌شوند. درآمد حاصل از فروش این واحدها به موقع دریافت نمی‌شود و در نتیجه بانک‌ها توانایی اعطای وام را پیدا نمی‌کنند و فشار نقدینگی بر صنایع کوچک آن‌ها را به سوی بازارهای غیر رسمی گرانتر سوق می‌دهد. تاخیر در تحویل نیز از جمله مسایلی است که به دنبال این کاهش نقدینگی پدید آمده و در دور باطل بنگاه‌های کوچک و متوسط نهایتاً منجر به تعطیلی و ورشکستگی این بنگاه‌ها می‌شود (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، ۱۳۸۴: ۲۸۵).

در زمینه خرید مواد اولیه نیز بنگاه‌ها با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند. بنگاه‌های کوچک و متوسط مواد خام خود را در مقادیر کم خریداری نموده و در نتیجه هزینه بیشتری برای آن پرداخت می‌کنند. بنابراین، قیمت تمام شده تولیدات که متحمل می‌شوند، خیلی بیشتر از واحدهای بزرگ است. از این رو، در موقعیت رقابتی آن‌ها در بازار اثر می‌گذارد. مشکل زمانی بزرگ جلوه می‌کند که صنایع کوچک و متوسط مجبور به وارد کردن کالاهای خام از خارج باشند. زیرا تامین کنندگان خارجی، مواد اولیه را به مقادیر کم نمی‌فروشند و اگر هم این کار را انجام دهند، قیمت بیشتری مطالبه می‌کنند (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، ۱۳۸۴: ۲۸۳).

رویه اداری برای واردات نیز پردردسر است و وارد کردن مقادیر محدود کالا موجب بروز مشکلات برنامه‌ریزی برای تولید انبوه می‌شود و در عین حال باعث راکد ماندن بخشی از سرمایه واحدهای کوچک و متوسط می‌شود. واردات یک سری هزینه‌های ثابت و معین دارد و در نتیجه واردات در مقادیر کم، باعث افزایش قیمت تمام شده هر واحد می‌شود.

تمام موارد بالا سبب شده است تا بنگاه‌های اقتصادی کوچک، از محدودیت‌های مالی رنج ببرند و همین عامل به صورت غیر مستقیم بر میزان اشتغال‌زایی آنها تاثیر بگذارد.

نتایج حاصل از تحقیق، مدت فعالیت بنگاه‌ها را به عنوان عامل دوم موثر بر میزان اشتغال‌زایی بنگاه‌ها نشان داده است. بنگاه‌های کوچک در بسیاری از کشورها و از جمله در ایران، به عنوان بنگاه‌های زودبازد شناخته می‌شوند. همان‌طور که از این نام می‌توان متوجه شد، انتظاری که از این بنگاه‌ها می‌رود این است که در مدت کوتاهی بتوانند به قابلیت‌های مورد انتظار بخوبی جواب داده و به نهایت میزان بهره‌وری و اشتغال‌زایی برسند. مدت زمان رسیدن

به چنین مرحله‌ای در کشورهای مختلف با توجه به شرایط اقتصادی و فضای مالی و قانونی حاکم بر فعالیت این بنگاه‌ها متفاوت است.

رابطه بین میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها و مدت زمان فعالیت این بنگاه‌ها نشان داد که توزیع بنگاه‌ها با میزان محدودیت بالا در بنگاه‌ها با مدت فعالیت متفاوت تقریباً یکسان بوده. بنابراین نمی‌توان امیدوار بود که با گذشت زمان از میزان محدودیت‌های مالی این بنگاه‌ها کاسته شود. در حقیقت، این بنگاه‌ها در لحظه ایجاد با مشکلات مالی فراوانی روبرو هستند که به تدریج با افزایش طول مدت فعالیت بنگاه‌ها همچنان پابرجاست و چه بسا که ملزومات، مشکلات مالی دیگری را نیز ایجاد نماید.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که ارتباط معنی‌داری بین میزان اشتغال‌زایی بنگاه‌ها و نگرش کارفرمایان نسبت به برخی قوانین کار وجود ندارد. قبل از بیان دلایل چنین رویکردی باید توجه کرد که قانون کار، متکفل اشتغال نیست ولی در اشتغال تاثیر مثبت و یا منفی دارد. بدین معنی که اگر قانون کار منجر به ایجاد یک رابطه عادلانه بین طرفین قرارداد کار (کارگر و کارفرما) گردد، قطعاً انگیزه مدیران بنگاه‌های اقتصادی را جهت جذب نیروی کار و ایجاد اشتغال تشویق خواهد کرد. در غیراینصورت اگر قانون کار موجب شود تا جذب و اشتغال هر واحد نیروی کار برای کارفرما بسیار هزینه‌بر باشد، می‌توان گفت که قانون کار به عنوان مانعی در برابر کارآفرینان و مدیران بنگاه‌های اقتصادی جهت توسعه و گسترش فعالیتشان عمل می‌کند.

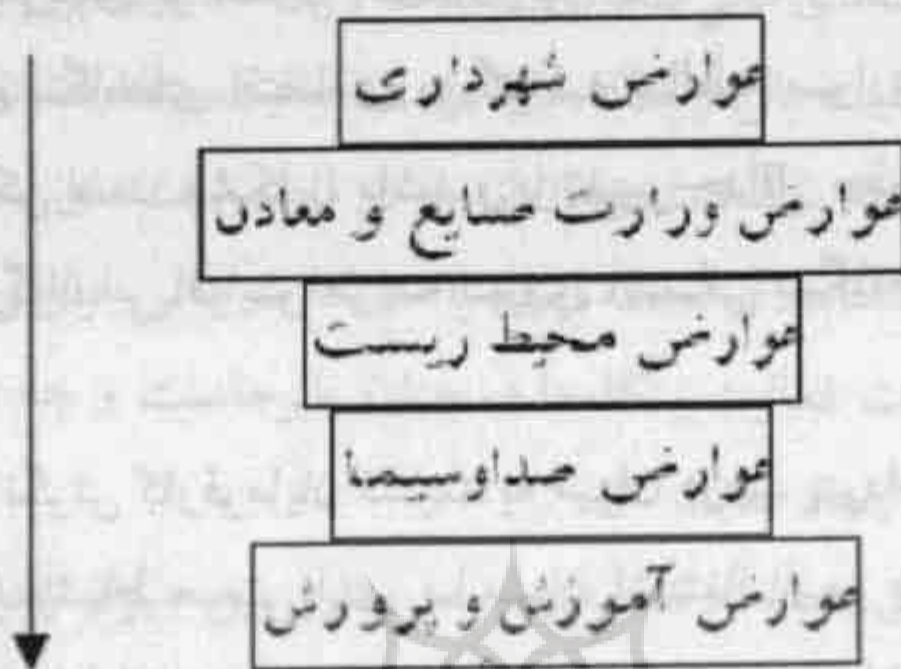
نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که ۴۷/۵ درصد کارفرمایان، نقش اجباری بودن اجرای قوانین کار (ماده ۵ قانون کار) و اجباری بودن اجرای قوانین تامین اجتماعی (ماده ۱۴۸ قانون کار) را در خودداری از استخدام و یا تعدیل نیروی کار خود، زیاد ارزیابی کرده‌اند، ۲۳/۳ درصد متوسط و ۲۹/۲ درصد کم ارزیابی کرده‌اند.

در مورد تمام مواد قانونی مطرح شده در این تحقیق که شامل ماده ۲۱ (شرایط انقضای قرارداد کار)، ماده ۲۴ (شرایط پرداخت سنوات به کارگر)، ماده ۲۷ (شرایط اخراج کارگر) و ماده ۴۱ (در نظر گرفتن حداقل حقوق شورای عالی کار در تعیین حقوق کارگران) هستند، بیشترین تعداد کارفرمایان، میزان تاثیر این مواد قانونی را در خودداری از استخدام و یا تعدیل نیروی بنگاه خود هیچ یا بسیار کم، ارزیابی کرده‌اند. به این معنی که در جداول فراوانی

تمام این متغیرها، نما متعلق به طبقه هیچ یا بسیار کم بوده است. در مصاحبه‌های انجام شده با کارفرمایان، اکثر کارفرمایان بیان می‌کردند که به دلیل تعداد کم کارگران آنها، قوانین کار نمی‌تواند تاثیر زیادی بر مسایل اشتغال‌زایی آنها بگذارد و بر این عقیده بودند که قوانین کارگری برای بنگاه‌های اقتصادی بزرگتر که بالطبع موارد تعدیل و استخدام نیرو بیشتری دارند، ممکن است مشکل‌زا باشد و یا تغییر حداقل حقوق سالیانه ممکن است به دلیل تعداد زیاد کارگران، بر افزایش هزینه نیروی انسانی بنگاه‌های اقتصادی بزرگ تاثیر بگذارد.

در مورد متغیر نگرش کارفرمایان نسبت به میزان درصد پرداختی بنگاه‌ها به سازمان تامین اجتماعی نیز ارتباط معنی‌داری با میزان اشتغال‌زایی بنگاه مشاهده نشد. ولی ۴۵/۸ درصد کارفرمایان بنگاه‌های اقتصادی کوچک بیان کرده‌اند که میزان تاثیر این پرداختی‌ها در افزایش هزینه‌های بنگاه، در حد زیاد است. ۴۳/۳ درصد میزان تاثیر آن را متوسط و ۱۰/۸ درصد میزان تاثیر این پرداختی‌ها را در افزایش هزینه‌های بنگاه در حد کم بیان کرده‌اند.

در زمینه متغیر نگرش کارفرمایان نسبت به پرداختی‌های قانونی بنگاه‌ها به دولت و شهرداری‌ها، ۳۱/۷ درصد کارفرمایان نقش این پرداختی‌ها را در افزایش مشکلات بنگاه خود زیاد ارزیابی کرده‌اند. ۵۱/۷ درصد متوسط و ۱۶/۷ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. نظر کارفرمایان نسبت به میزان تاثیر پرداخت‌های عوارضی در مشکلات بنگاه و افزایش هزینه‌های آن و میزان تاثیر پرداخت‌های مالیاتی در افزایش هزینه‌های بنگاه تقریباً با هم یکسان بوده و تفاوت قابل ملاحظه‌ای را بین این دو قابل نشده‌اند. اما در زمینه انواع عوارضی که کارفرمایان ملزم به پرداخت آن هستند، از دید کارفرمایان، عوارض شهرداری و عوارض وزارت صنایع و معادن، بیشترین مشکلات را برای بنگاه‌ها ایجاد کرده است کارفرمایان نسبت به عوارض محیط زیست، عوارض صداوسیما و عوارض آموزش و پرورش، نظر متعادل‌تری داشتند و میزان تاثیر آن را در افزایش هزینه‌های بنگاه کمتر دانسته‌اند. نمودار ۱۱، ترتیب اهمیت عوارض تحمیلی به بخش صنایع بر افزایش هزینه‌های بنگاه از دید کارفرمایان جامعه نمونه این تحقیق نشان می‌دهد.



نمودار ۱۱ - ترتیب اهمیت عوارض پرداختی بنگاه‌ها بر افزایش هزینه‌های بنگاه از دیدگاه کارفرمایان

گرچه ارتباط بین متغیر میزان استفاده از تسهیلات مالی دولت و میزان اشتغال‌زایی بنگاه‌ها مورد تایید قرار نگرفت، ولی نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که در زمینه متغیر میزان استفاده از تسهیلات مالی دولت که بنا به اظهارات کارفرمایان و با استفاده از شاخص‌های مربوط به متغیر محاسبه شد، تنها $3/3$ درصد در سطح زیاد از این تسهیلات استفاده کرده‌اند، $12/5$ درصد میزان استفاده بنگاه خود از تسهیلات مالی دولت را متوسط و $84/2$ درصد نیز این میزان در سطح کم بیان کرده‌اند. اظهارات کارفرمایان بنگاه‌های اقتصادی کوچک درباره معافیت از پرداخت‌های مالیاتی نشان می‌دهد که $8/4$ درصد در سطح زیاد، $8/3$ درصد در سطح متوسط و $83/3$ درصد در سطح کم از این معافیت‌ها استفاده کرده‌اند. اظهارات کارفرمایان بنگاه‌های اقتصادی کوچک درباره معافیت از پرداخت‌های عوارضی نشان می‌دهد که $7/5$ درصد در سطح زیاد، 10 درصد متوسط و $70/8$ درصد در سطح کم بوده است.

در تمام موارد معافیت‌های مالیاتی و عوارضی، وام‌های بانکی و غیر بانکی و تسهیلات سازمان صنایع و معادن برای بنگاه‌های اقتصادی زودبازده، بیشتر کارفرمایان میزان تاثیر این

معافیت‌ها را در کاهش مسایل مالی بنگاه خود زیاد و یا بسیار زیاد بیان کرده‌اند. اما وام‌های بانکی، از جمله تسهیلات و اعتبارات بودجه‌ای است که همچنان بیشتر به واحدهای بزرگ و اکثراً دولتی یا نیمه‌دولتی اعطا می‌شود. همچنین وثیقه‌های ملکی که برای دریافت وام توسط بانک‌ها اخذ می‌شود، یک مشکل جدی بر سر راه توسعه کارآفرینی ایجاد کرده است. در بررسی به عمل آمده توسط نشست جهانی اقتصاد در مورد نحوه حمایت مالی از واحدهای بزرگ و کوچک در کشورهای مختلف، لوکزامبورگ، هنگ‌کنگ، ایرلند، هلند و فنلاند، عملکردهای مطلوبی در حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط داشته‌اند در حالیکه آرژانتین، مکزیک و اندونزی در پایین‌ترین رده قرار گرفته‌اند. بر اساس همان مدل، مطالعه مشابهی بر روی مدیران ایرانی انجام شد که معدل میانگین آن‌ها $1/58$ (از ۷) بود. اگر این میانگین در کنار نمرات حاصل از کشورهای دیگر قرار گیرد، ایران در رده ۵۴ این فهرست قرار می‌گیرد. مدیرانی که برای این مطالعه انتخاب شده بودند، از هر دو صنایع کوچک و بزرگ بودند. این مطالعه همچنین نشان داد که بانک‌های ایرانی همان سیاست‌هایی را که برای شرکت‌های بزرگ دارند، برای شرکت‌های کوچک نیز اعمال می‌کنند و هیچ‌گونه سیاست ترجیحی برای صنایع کوچک و متوسط وجود ندارد (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، ۱۳۸۴: ۲۸۴).

۶- پیشنهادهای تحقیق

در این بخش با توجه به نتایج تحقیق، به بیان پیشنهادهای اجرایی در زمینه موضوع تحقیق برای استفاده مسئولین اجرایی پرداخته خواهد شد. از آنجایی که پیشنهادهای اجرایی این تحقیق برآمده از نتایج حاصل از تحلیل اطلاعات این تحقیق است، ابتدا به بیان خلاصه‌ای از نتایج حاصل از این تحقیق خواهیم پرداخت.

یکی از مهم‌ترین مواردی که در نتیجه‌گیری این تحقیق به چشم می‌خورد، ارتباط معنی‌دار بین میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها و میزان اشتغال‌زایی بنگاه‌ها است. همان‌گونه که از نتایج تحلیل رگرسیون متغیر وابسته میزان اشتغال‌زایی بر می‌آید، میزان محدودیت‌های مالی مدت فعالیت بنگاه‌ها عوامل تعیین‌کننده متغیر میزان اشتغال‌زایی به شمار می‌رود. هزینه‌های حمل و نقل و انبارداری و هزینه‌های تبلیغات و بازاریابی از مهمترین عوامل افزایش میزان

محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها به شمار می‌روند. نتایج حاصل از سوالات متفرقه‌ای که در پرسشنامه از کارفرمایان بنگاه‌های اقتصادی کوچک پرسیده شد، نشان داد که تقاضا برای محصولات نیز از عمده‌ترین عوامل تعطیلی بنگاه‌ها به شمار می‌رود. بنابراین، پیشنهاد‌های این تحقیق معطوف به ارائه راه‌کارهایی در راستای کاهش عوامل موثر بر میزان محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها است که در ادامه بیان می‌شود:

۱- ایجاد صندوق بیمه تضمینی نقدینگی و اعتبارات پروژه‌های صنایع کوچک
 به تجربه ثابت شده است که ارتباط بنگاه‌های اقتصادی کوچک با بنگاه‌های بزرگتر می‌تواند نقش مهمی در کاهش هزینه‌های تبلیغات و بازاریابی محصولات تولید شده توسط بنگاه‌های اقتصادی کوچک و همچنین حل مشکل کمبود تقاضا برای محصولات این بنگاه‌ها ایفا کند. در سال ۱۹۹۳ در کره جنوبی به دلیل نوسانات شدید اقتصادی، تعداد انبوهی از صنایع کوچک، ورشکسته و تعطیل شدند. تحقیقات بعدی نشان داد، ۹۷ درصد بنگاه‌های ورشکسته شده، به دلیل تنها بودن و عدم اتصال آن‌ها به صنایع قدرتمندتر اقتصادی، تاب تحمل فشارها و رکود اقتصادی را نداشته و از میدان فعالیت و تولید خارج شدند (قره‌چه، ۱۳۷۷: ۲۱). در بخش مبانی نظری این تحقیق، مدل توسعه بر اساس سیستم پیمانکاری و همچنین مدل خوشه‌ای از نظریات پشتیبان چنین ایده‌ای به شمار می‌روند.

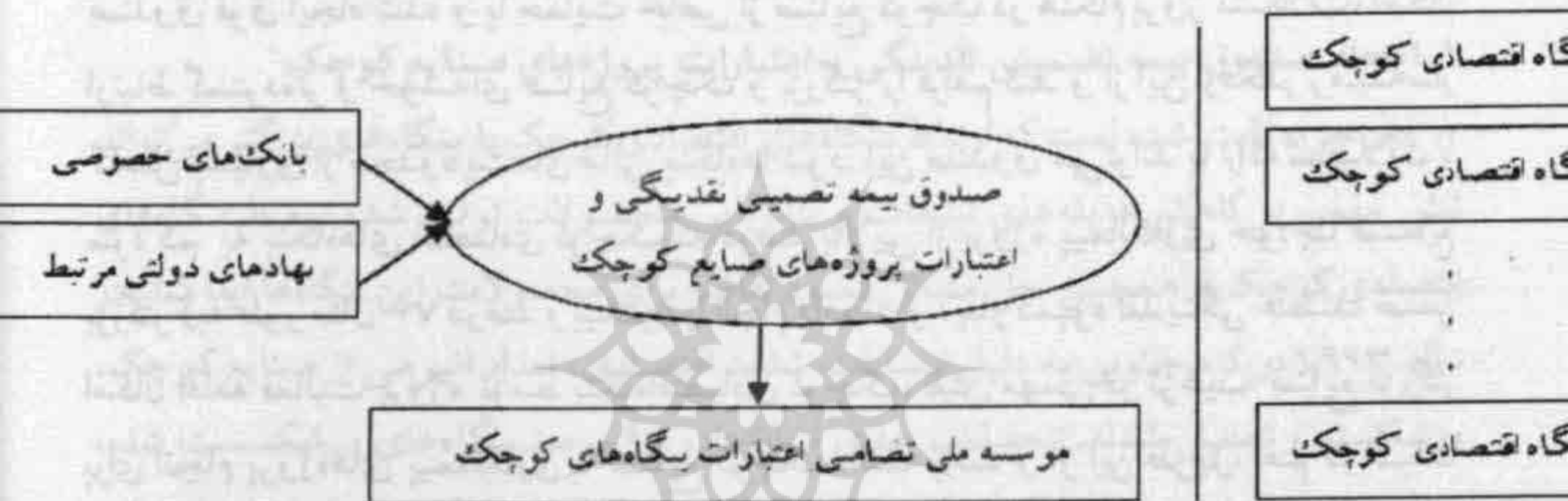
اما در ایران، بنگاه‌های اقتصادی بزرگتر، تمایلی به بستن قراردادهای پیمانکاری با بنگاه‌های کوچکتر نشان نمی‌دهند. یکی از مهم‌ترین دلایل چنین گرایش، عدم ثبات و پایداری بنگاه‌های اقتصادی کوچک در ایران با وجود مشکلات موجود است. به طوری که همواره این ترس وجود دارد که بنگاه‌های اقتصادی کوچکتر به دلیل کمبود نقدینگی نتوانند به تعهدات خود عمل کنند و بنگاه بزرگتر نیز از این طریق دچار زیان شود. در حال حاضر، صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک^(۱) در کشور در حال فعالیت است که هدف اصلی آن، تسهیل در

۱- صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک، زیر نظر وزارت صنایع و معادن تأسیس گردیده و مرکز اصلی آن در تهران است. نوع صندوق، شرکت سهامی خاص و مدت آن نامحدود است. هدف صندوق، فراهم آوردن موجبات توسعه سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در صنایع کوچک، کونا کردن مدت زمان اجرای (ادامه در صفحه بعد)

امر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از طریق ضمانت سرمایه‌گذاری و صدور ضمانت نامه است. گرچه این صندوق می‌تواند نقش مهمی در راستای ثبات بنگاه‌های اقتصادی کوچک داشته باشد، اما توجه مستقیمی به قراردادهای پیمانکاری صنایع کوچک و بزرگتر در آن صورت نگرفته است. پیشنهاد محقق، ایجاد صندوق بیمه تضمینی نقدینگی و اعتبارات پروژه‌های صنایع کوچک است. این صندوق حمایتی می‌تواند به صورت مجزا یا زیر نظر صندوق فوق ایجاد شده و با حمایت خاص از صنایع کوچک در هنگام بروز مشکلات، امکان ارتباط گسترده‌تر و خوشه‌ای صنایع کوچک و بزرگتر را فراهم کند و از این رهگذر زمینه‌ساز کاهش بسیاری از محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها شود. این صندوق می‌تواند با ارائه تسهیلات با سود کم به بنگاه‌های اقتصادی کوچک که درصد بالایی از پروژه پیمانکاری خود با صنایع بزرگتر (به طور مثال ۷۰ درصد و بیشتر) را انجام داده‌اند و دچار کمبود نقدینگی هستند، ضمن امکان ادامه فعالیت پروژه توسط بنگاه اقتصادی کوچک، نقش مهمی در ترغیب صنایع بزرگتر برای انجام پروژه‌های پیمانکاری با صنایع کوچک داشته باشد و از این طریق، هم در ثبات مشاغل به وجود آمده در بنگاه‌ها و هم در ایجاد مشاغل جدید توسط این بنگاه‌ها نقش موثری ایفا کند. ساختار صندوق بیمه تضمینی پروژه‌های کوچک و متوسط در کشور ژاپن در سال ۱۹۹۸ میلادی که توانست نقش مهمی در پایداری بنگاه‌های اقتصادی کوچک این کشور بازی کند، می‌تواند به عنوان الگویی برای پیاده‌سازی این صندوق در ایران مورد استفاده قرار گیرد. صندوق بیمه تضمینی پروژه‌های کوچک و متوسط در کشور ژاپن که شعباتی را در تمام استان‌های ژاپن دارد، دارای اندوخته قابل توجهی از این ارز خارجی است. نقش دولت مرکزی عمدتاً نظارتی داشت و فقط در مواقع اختلاف یا تجدیدنظر در میزان نقدینگی سپرده، دخالت مستقیم دارد. این صندوق در راستای تامین وام آندسته از شرکت‌های کوچک و متوسط برمی‌آید که ۵۰ درصد از پروژه تولیدی خود را تکمیل نموده و نیاز مبرم به تامین نقدینگی

طرح‌های اشتغال‌زا و دارای توجیه اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته و تضمین و تسهیل در توثیق تسهیلات اعطایی به طرح‌های مذکور است. صندوق از نظر مالی، به صورت خودگردان اداره می‌شود و چنانچه تکالیف و معمریتهای خاصی از جانب دولت به آن محول شود از محل اعتبارات عمومی تامین اعتبار می‌شود. (نصوب نامه شماره ۶۳۵۰۹/۳۲۷۳۶ هـ مورخ ۲۴/۱۰/۸۴ هیأت وزیران حاوی «اساسنامه صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک») (سایت وزارت صنایع و معادن).

برای نهایی کردن پروژه دارند (سازمان صنایع کوچک، ۱۳۸۰: ۱۹۸). نمودار ۱۲ ساختار صندوق بیمه تضمینی صنایع کوچک و متوسط در ژاپن را نشان می‌دهد.



روانشناسی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۱۲ - ساختار صندوق بیمه تضمینی صنایع کوچک و متوسط در ژاپن، ۱۹۹۸

منبع: سازمان صنایع کوچک، ۱۳۸۰: ۱۹۹

۲- کمک به ایجاد شرکت‌هایی با ساختار مالکیت تعاونی برای تهیه مواد اولیه بنگاه‌های اقتصادی کوچک

همان‌طور که نتایج حاصل از تحقیق نشان داد، تهیه مواد اولیه یکی از مهم‌ترین مشکلات بنگاه‌های اقتصادی کوچک به شمار می‌رود. به‌گونه‌ای که ۷۲ درصد کارفرمایان بنگاه‌های اقتصادی کوچک بیان کرده‌اند که با تهیه مواد اولیه در بنگاه خود در سطح زیاد دچار مشکل هستند. همچنین، ۱۸ درصد بنگاه‌هایی که سابقه تعطیلی داشتند، علت تعطیلی خود را

مشکلات تهیه مواد اولیه و از جمله نوسانات قیمت آن بیان کردند. پیشنهاد محقق در راستای حل این مشکل، کمک به ایجاد شرکت‌هایی با ساختار مالکیت تعاونی برای تهیه مواد اولیه بنگاه‌های اقتصادی کوچک است. با ایجاد چنین شرکت‌هایی، بنگاه‌های اقتصادی کوچک که نیاز به مواد اولیه مشابه دارند، می‌توانند درخواست خود را یکجا تهیه کرده و بدین ترتیب، از هزینه‌های حمل و نقل، هزینه‌های ثابت واردات کالا و نیز هزینه‌های تحمیلی به دلیل سفارشات کم کالا بکاهند. همچنین ایجاد چنین شرکت‌هایی می‌تواند به دستگاه‌های اجرایی در یافتن گروه‌های هدف برای ارائه تسهیلات مالی در زمینه خرید مواد اولیه کمک کند.

منابع

- آذرآبادگان، سیدعلی. (۱۳۸۵). بنگاه‌های صنعتی و دولت‌ها و تعامل آن‌ها در ایران، تهران، کنفدراسیون صنعت ایران
- انجمن مدیران صنایع. (۱۳۸۰). موارد عمده مشکل‌زای قانون کار، تهران، انتشارات انجمن مدیران صنایع
- احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۸۱). کارآفرینی (تعاریف، نظریات و الگوها)، تهران، انتشارات پردیس
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران، انتشارات سمت
- جی‌اکس، زولتان، روی توریک بوکارلیسون. (۱۳۸۱). نقش صنایع کوچک در اقتصاد مدرن، ترجمه جهانگیر مجیدی، تهران، انتشارات رسا
- جهانگیر، منصور. (۱۳۸۵). جمع‌آوری قوانین و مقررات مربوط به رفاه و تامین اجتماعی، تهران، نشر نی
- حقیقی، محمدعلی. (۱۳۷۹). نظام روابط کار در سازمان، تهران، انتشارات ترمه
- حسام، فرحناز. (۱۳۸۱). قانون‌کار و چالش‌های آن، تهران، انتشارات دفتر بررسی‌های اقتصادی
- خاشعی، شهریار. (۱۳۸۴). بررسی موانع رشد تولید و راه‌کارهای رفع آن، تهران، کنفدراسیون صنعت ایران

- زاهدی، شمس‌السادات. (۱۳۷۷). روابط صنعتی (نظام روابط کار)، تهران، مرکز نشر کتب دانشگاهی
- سبحانی، حسن. (۱۳۷۲). اقتصاد کار و نیروی انسانی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها
- سپهری، محمدرضا. (۱۳۸۱). حقوق بنیادین کار، تهران، انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی
- سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو). (۱۳۸۴). سند استراتژی افزایش مشارکت موثر و رقابتی بخش صنایع کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی و صنعتی ایران، ترجمه عبدالرضا شقاقی، تهران، انتشارات رسا
- سازمان صنایع کوچک ایران. (۱۳۸۰). سیاست‌های موفق توسعه صنایع کوچک در ۲۰ کشور صنعتی و در حال توسعه، انتشارات سازمان صنایع کوچک ایران، تهران، انتشارات سازمان صنایع کوچک ایران
- صحراییان، سیدمهدی. (۱۳۸۰). سازمان‌دهی صنایع کوچک در ایران، تهران، انتشارات هدف
- عراقی، عزت‌الله. (۱۳۸۴). حقوق کار، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- قره‌چه، منیژه. (۱۳۷۷). مدیریت صنایع کوچک، مجموعه متون آموزشی موسسه کار و تامین اجتماعی، شماره ۲۱، تهران، انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی
- لامعی، بهزاد. (۱۳۷۹). آموزش کارآفرینی در ایران و بررسی موانع قانونی رشد کارآفرینی در صنایع کوچک ایران، ناظر علمی: کامبیز طالبی، تهران، موسسه کار و تامین اجتماعی
- متوسلی، محمد. (۱۳۷۹). نقش کارگاه‌های کوچک در ایجاد اشتغال و تنظیم بازار کار در بخش صنعت، ناظر علمی: حسن علی قنبری، تهران، موسسه کار و تامین اجتماعی
- موسسه کار و تامین اجتماعی. (۱۳۸۴). اهداف راهبردی کار شایسته، تهران، انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی
- موسسه کار و تامین اجتماعی. (۱۳۸۵). دستور کار جهانی اشتغال، مجله کار و جامعه، شماره ۶۹-۷۰، تهران، انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی

- مولایی، محمد. (۱۳۸۲). ارزیابی عوامل موثر بر سودآوری و عملکرد صنایع کوچک در ایران، پایان نامه دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران، دانشگاه تربیت مدرس مرکز آمار ایران. (۱۳۷۴). فرهنگ تعاریف و مفاهیم به کار رفته در طرح‌ها و گزارش‌های آماری مرکز آمار ایران، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران
- میرسپاسی، ناصر. (۱۳۷۵). مدیریت منابع انسانی و روابط کار (نگرشی راهبردی)، تهران، انتشارات شروین
- وزارت کار و امور اجتماعی. (۱۳۵۰). در خدمت صنایع کوچک، نشریه شماره ۶۴، تهران، انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی
- همدانی، علی‌الله. (۱۳۸۲). قانون تامین اجتماعی و کارفرمایان و مدیران، تهران، انتشارات انجمن مدیران صنایع
- هیسریچ، رابرت، مایکل پی، پیتروز. (۱۳۸۳). کارآفرینی، ترجمه: علیرضا فیض‌بخش، تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف - موسسه انتشارات علمی

- International Labour office. (2002). Decent work-matters in crisis-Ilo response to crisis challenges, Geneva

- Phnom Penh. (2004). Meeting of SME Sub-Committee, Cambodia, Ministry of Industry, Mines and Energy

- World business council. (2006). Promoting Small and medium enterprises for sustainable development,